

سنخ آرمانی ماکس وبر، ابزاری تحلیلی برای گونه‌شناسی مناسک سوگواری‌های عاشورا

جمشید میرزایی*

(تاریخ دریافت ۹۸/۰۶/۱۵، تاریخ پذیرش ۹۹/۰۳/۲۲)

چکیده

با نگاهی تاریخی - اجتماعی به جامعه ایران می‌توان به این باور رسید که مناسک عاشورا و سوگواری‌های محرم جزء لاینفک فرهنگ این سرزمین محسوب می‌شود و می‌توان آن‌ها را از زوایای مختلف مورد بررسی قرار داد. با توجه به جایگاه محرم و عاشورا در تاریخ اجتماعی و فرهنگ جامعه ایران، در نوشتار پژوهشی حاضر سعی بر این است که مناسک عاشورا با کمک یکی از ابزارهای تحلیلی برجسته در علوم اجتماعی یعنی مفهوم وبر «ایده‌آل تایپ» بررسی شوند.

از نظر وبر «هر سنخ آرمانی با تأکیدی یک‌جانبه بر یک یا چند دیدگاه و با ترکیب شمار بسیاری پدیده‌های فردی انضمامی پراکنده و جدا و کم و بیش موجود و گاهی غایب ساخته می‌شود که مطابق با آن دیدگاه‌های تأکیدشده یک‌جانبه و در قالب یک سازه تحلیلی یکپارچه‌ای مرتب می‌شوند. این سازه ذهنی را در مفهوم خالصش در هیچ کجای واقعیت به صورت تجربی نمی‌توان یافت...» با این اوصاف مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که آیا مفهوم سنخ آرمانی وبر قابل انطباق بر مناسک سوگواری‌های عاشورا هست؟ مهم‌ترین یافته‌های کاربست تجربی این مفهوم در عرصه سوگواری‌های عاشورا چیست؟

روش پژوهشی ما در این جا با توجه به ماهیت پژوهش، روش کیفی و استراتژی پژوهش، استراتژی استفهامی است. یعنی برای تفهیم کنش کنشگران و سنخ‌بندی آن‌ها، روشی متناسب با مسئله پژوهش، مجموعه‌ای پویا از روش‌های کیفی (مشاهده مشارکتی،

*. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی (گرایش مسائل اجتماعی) دانشگاه تهران و مدرس گروه علوم اجتماعی دانشگاه فرهنگیان
jamshid.mirzaei@ut.ac.ir

تکنیک مصاحبه عمقی، سنجش‌های غیرمزامی) را به کار بسته‌ایم. برای نمونه‌های مورد بررسی از روش نمونه‌گیری نظری استفاده شده و معیار اشباع نظری، ملاک توقف مصاحبه بوده که بر این اساس با ۳۲ نفر مصاحبه صورت گرفته است. برای تحلیل داده‌ها، از تکنیک تحلیل مضمون (کدگذاری، طبقه‌بندی داده‌ها و الگویابی درون- داده‌ای و برون- داده‌ای) استفاده شده تا به یک گونه‌شناسی تحلیلی دست یافت.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که می‌توان کنش‌های سوگواران را با عنایت به مفهوم سنخ آرمانی در چهار شکل: ۱. سنت‌گرایان، ۲. شکل‌گرایان (فرم‌گرایان)، ۳. قومیت‌گرایان و ۴. نوگرایان دینی صورت‌بندی کرد. این چهار تیپ سوگواری از حیث گفتمان غالب، میزان استفاده از ساز و برگ در سوگواری‌ها، هدف غالب، میزان دست‌رسی به صدا و سیما، چهره اصلی مجلس، پایگاه اصلی، ادبیات غالب، مخاطبان، زیست‌جهان، نوع اقتدار حاکم بر فضای سوگواری و... دارای تمایزات عمده‌ای هستند. البته این سنخ آرمانی یک مطالعه توصیفی-تحلیلی و صورت‌برداری از کنشگران این مناسک و مراسم می‌باشد و الزاماً به این معنی نیست که تمامی مختصات ذکر شده فقط در یک تیپ یافت می‌شود یا مرز دقیقی بین آن‌ها وجود دارد.

مفاهیم اصلی: سوگواری، سنخ آرمانی، عاشورا، سنت‌گرایان، شکل‌گرایان، قومیت‌گرایان و نوگرایان دینی.

مقدمه

یکی از مهم‌ترین رهیافت‌های دین‌پژوهی، مطالعه و بررسی دین از منظر جامعه‌شناختی است و اندیشمندان اجتماعی همواره عنایت خاصی به مطالعه دین داشته‌اند و این «علاوه بر دل مشغولی و تعلق خاطر شخصی آنان، ناشی از اهمیتی است که دین در حیات اجتماعی مردمان اعصار گذشته داشته است» (شجاعی زند، ۱۳۹۱: ۱۴). در اهمیت جامعه‌شناسی دین^۱ همین بس که بنیان‌گذاران و کلاسیک‌های جامعه‌شناسی توجه خاصی را به این حوزه مبذول داشته و چندین اثر بزرگ را در این زمینه به جا گذاشته‌اند.^۲ «علاقه بنیادین جامعه‌شناسان دین غالباً یکسان است و آن بالا بردن فهم ما از نقش دین در جامعه، تحلیل اهمیت و تأثیر دین بر تاریخ بشری و شناخت جلوه‌های گوناگون دین و مسائل اجتماعی در ارتباط است» (همیلتون، ۱۳۹۷). یکی از مهم‌ترین نموده‌ها و جلوه‌های

۱. Sociology of Religion

۲. برای نمونه ماکس وبر آلمانی با آثاری نظیر "اخلاق پروتستان و روح سرمایه داری" (۱۹۰۴) و "جامعه‌شناسی دین" (۱۹۲۲) و امیل دورکیم فرانسوی با کتاب مشهور خود یعنی "صور ابتدایی حیات دینی" (۱۹۱۵).

گوناگون دین، وجه مناسکی^۱ و برپایی مراسم و آیین‌ها و مسائل اجتماعی مرتبط با آن است. در دین اسلام و مذهب تشیع، سوگواری‌ها و عزاداری‌های عاشورا^۲ و محرم اهمیت و برجستگی خاصی دارد و بی‌راه نخواهد بود که آن را از گسترده‌ترین و پرتراکم‌ترین مناسک و مراسم محسوب کنیم. به-مناسک عاشورا از سوی کنشگران (سوگواران) واکنش‌های متنوعی صورت گرفته است و گونه‌های متفاوت و مختلفی از سوگواری را موجب شده است. در پژوهش حاضر سعی بر این است که گونه‌شناسی این مناسک از منظر جامعه‌شناسی دین و با کمک یکی از ابزارهای تحلیلی برجسته در علوم اجتماعی بررسی شود.

بیان مسأله و اهمیت ضرورت پژوهش

با نگاهی تاریخی - اجتماعی به جامعه ایران می‌توان به این باور رسید که مناسک عاشورا و عزاداری‌های محرم در فرهنگ شیعی - ایرانی چنان نضج یافته که امری جدایی ناپذیر و جزء لاینفک این فرهنگ محسوب می‌شود و محرم در فرهنگ شیعی - ایرانی به یک نقطه عطف و فصلی خاص تبدیل شده است. به طوری که برخی پژوهشگر بر این باورند «عزاداری هسته مرکزی فرهنگ و هویت شیعی است یعنی تا وقتی که شیعه باقی است، آیین عزاداری هم باقی خواهد ماند (رحمانی، ۱۳۹۳: ۷۶). با آن که مناسک عزاداری امام حسین (ع) و شهدای کربلا در سایر نقاط و سرزمین‌های اسلامی برگزار می‌شود، اما در ایران ویژگی‌های خاص و منحصر به فرد خود را دارد و جزء نهادینه شده^۳ در فرهنگ این سرزمین به حساب می‌آید (میرزایی و خزایی، ۱۳۹۴: ۶۶). سوگواری‌ها و عزاداری‌های عاشورا را می‌توان از زوایای مختلف نگریست و مورد بررسی و کاوش قرار داد. در پژوهش‌های متعددی که راجع به مناسک و مراسم عاشورا صورت گرفته برخی به یک آیین و یک منطقه پرداخته‌اند (وحیدی و همکاران، ۱۳۹۴)^۴، برخی به گفتمان‌های رایج در عاشورا (کاهیرده و بهار، ۱۳۸۹)^۵، برخی به تحلیل محتوای مداحی‌ها (صفا و نجاتی حسینی، ۱۳۹۰)^۱ و برخی نیز به

۱. Rites

۲. در این مقاله هر جا سخنی از عاشورا به میان آورده‌ایم منظور ما کل ایام سوگواری برای امام حسین و شهدای کربلاست نه فقط روز دهم محرم (عاشورا).

۳. Institutionalized

۴. وحیدی، طاهر، کشاورز، فاطمه و خاکپور، مینو (۱۳۹۴). «کرب: نگاهی به عزاداری دهه محرم در لاهیجان»، فصلنامه شیعه‌شناسی، سال سیزدهم، شماره ۴۹، صص ۸۳-۱۰۷

۵. کاهیرده، نسیم و بهار، مهری (۱۳۸۹). «تحلیل گونه‌های گفتمانی متأثر از محتوای مناسک عاشورا»، فصلنامه پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه، شماره پنجم، پاییز و زمستان ۹۳، صص ۱۷۴-۱۵۷.

دسته‌بندی هیئت‌ها (محدثی گیلوایی، ۱۳۸۳)^۲ پرداخته‌اند ولی کمتر به با نگاهی چندجانبه و با مشاهده میدانی و مشارکتی بلندمدت، به صورت‌بندی و گونه‌شناسی عزاداری‌ها و نحوه عمل کنشگران (سوگواران) پرداخته‌اند. واقعیت این است که در ایران امروز نمی‌توان شاهد یک‌دستی و همگونی در برگزاری مراسم عزاداری‌های عاشورا بود. این تنوع و گوناگونی و طرق مختلف سوگواری را می‌توان با مذاقه و زدن "عینک جامعه‌شناسی" برچشم به خوبی مشاهده کرد. در واقع با یک نگاه جامعه‌شناختی می‌توان گفت که در ایران امروز چندین نوع واکنش و مواجهه از سوی کنشگران با این پدیده قابل مشاهده است. این پژوهش جامعه‌شناختی، تلاش دارد تا سبک‌ها و گونه‌های عزاداری‌های عاشورا (اصناف سوگواری‌های عاشورا) را در ایران امروز و از نظر برگزاری و برپایی مناسک و مراسم نشان می‌دهد.

با توجه به جایگاه محرم و عاشورا در تاریخ اجتماعی و فرهنگ جامعه ایران، در نوشتار پژوهشی حاضر سعی بر این است که مناسک عاشورا با عنایت به مفهوم وبر «ایده‌آل تایپ»^۳ (در ترجمه‌های مختلف: نمونه آرمانی^۴، نوع مثالی^۵، سنخ آرمانی^۶، تیپ ایده‌آل^۷، نوع عالی^۸، نمونه ایده‌آل^۹) بررسی شوند. ابداع این مفهوم «به وبر و تفکیک سنخ‌های آرمانی پروتستان از کاتویک، یهودی، هندو و بودایی بر می‌گردد» (Jupp, 2006: 141). البته وبر نیز در اصل «مفهوم سنخ آرمانی را از قوانین دقیق آرمانی اقتصاد نئوکلاسیک منگر^{۱۰} و دیگران اقتباس کرد و سپس آن را در میان چیزهایی دیگر برای مفصل‌بندی مقولات سنخ آرمانی کنش برای استفاده در نوعی جامعه‌شناسی تفسیری به کار برد (اباذری، جعفری کافی‌آباد، ۱۳۹۷: ۵۲۰). در اهمیت به کار بردن سنخ آرمانی در

۱. صفا، داوود و حسینی نجاتی، سید محمود (۱۳۹۰). «تحلیل محتوای مداحی‌های مذهبی و مردم‌پسند؛ مقایسه مداحی‌های سنتی و مدرن»، فصلنامه معرفت فرهنگی، سال دوم، شماره ۴، پاییز ۱۳۳۹۰، صص ۱۶۳-۱۴۱.
۲. محدثی گیلوایی، حسن و بهرامپور (۱۳۸۳). کارناوالی‌شدن عزاداری عاشورا؛ الگوهای رسمی و غیررسمی عزاداری در ایران، منتشر نشده.

۳. Typelde al

۴. فرهنگ ارشاد (۱۳۹۳) در ترجمه نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی (کوزر و روزنبرگ) و عبدالحسین نیک‌گهر (۱۳۸۳) در ترجمه جامعه‌شناسی ماکس وبر (ژولین فروند)
۵. شهناز مسمی‌پرست (۱۳۹۶) در ترجمه نظریه اجتماعی کلاسیک (یان کرایب)
۶. حسن چاوشیان (۱۳۹۷) در ترجمه روش‌شناسی علوم اجتماعی (ماکس وبر)
۷. غلامرضا جمشیدیها (۱۳۹۳) پیدایش نظریه‌های جامعه‌شناسی
۸. احمد بهروان (۱۳۸۵) در ترجمه درآمدی به جامعه‌شناسی (یان رابرتسون)
۹. مرتضی نوربخش (۱۳۸۸). زبان تخصصی علوم اجتماعی

۱۰. Menger

پژوهش‌های اجتماعی، وبر پیامدهای اجتناب‌ناپذیر عدم ایده‌آل تایپ‌سازی در پژوهش، را این‌گونه بیان می‌کند: «۱. آگاهانه یا ناآگاهانه از مفاهیم دیگری استفاده کنند، بی‌آن‌که آن‌ها را فرمول‌بندی واژگانی یا تشریح منطقی کنند و یا این‌که ۲. در قلمرو ادراکاتی که به‌صورت مبهم احساس می‌شوند، اسیر خواهند ماند» (وبر ۱۳۹۴: ۱۴۷ و ۱۴۶).

با این اوصاف مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که آیا مفهوم سنخ آرمانی وبر قابل انطباق بر مناسک سوگواری‌های عاشورا هست؟ مهم‌ترین یافته‌های کاربست تجربی این ابزار تحلیلی در عرصه عزاداری‌های عاشورا چیست؟

چارچوب نظری پژوهش^۱

همانطور که گفتیم مفاهیم نظری بنیادی ما در این‌جا، مفهوم سنخ آرمانی است که یکی از مفاهیم مهمی است که ماکس وبر جامعه‌شناس شهیر آلمانی به حوزه جامعه‌شناسی و روش‌شناسی علوم اجتماعی وارد کرده و بر ذخیره جامعه‌شناسی افزوده است. وی همچنین در مورد چگونگی ساختن سنخ آرمانی و کاربرد آن می‌گوید: «هر سنخ آرمانی با تأکیدی یک‌جانبه بر یک یا چند دیدگاه و با ترکیب شمار بسیاری پدیده‌های فردی انضمامی پراکنده و جدا و کم و بیش موجود و گاهی غایب ساخته می‌شود که مطابق با آن دیدگاه‌های تأکیدشده یک‌جانبه و در قالب یک سازه تحلیلی یک‌پارچه‌ای مرتب می‌شوند. این سازه ذهنی را در مفهوم خالص در هیچ کجای واقعیت به صورت تجربی نمی‌توان یافت. زیرا که یک اتوپیاست... اتوپیاها متعدد و پرشماری از این نوع می‌توان ساخت که هیچ‌کدام مشابه دیگری نباشد» (Weber, ۱۹۴۹: ۹۰). در توضیح ایده‌آل تایپ در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی، ویکتور جاپ می‌گوید: «سنخ آرمانی، توصیفی مفهومی از یک پدیده اجتماعی مانند اختلال روانی، جرم، مذهب، دیوان‌سالاری است برای فهم موضوعی ذهنی که شکلی تجریدی دارد» (Jupp, ۲۰۰۶: ۱۴۱).

از نظر ژولین فروند «وبر برای این‌که مفاهیمی که در روش تاریخی به کار می‌روند، از دقت کافی برخوردار باشند، مفهوم نمونه آرمانی را ابداع کرده است (فروند، ۱۳۸۳: ۶۸). همچنین می‌توان گفت سنخ آرمانی نمونه خالص برای مقایسه انواع است (Jupp, ۲۰۰۶: ۳۸) و «درک ویژگی‌های اساسی پدیده‌ها را امکان‌پذیر می‌سازد و محقق با رجوع به آن‌ها در می‌یابد که

۱. ذکر این نکته در این‌جا لازم است که در بررسی و تحلیل پدیده‌ای مانند مناسک سوگواری‌های عاشورا می‌توان از نظریات افرادی مانند دورکیم، گیرتز و... استفاده کرد؛ اما از آنجا که تأکید اصلی ما در مقاله بر روی مفهوم «سنخ آرمانی ماکس وبر» است و از آن‌جا که موضوع مرکزی و اختصاصی «دومین همایش خوانش انتقادی جامعه‌شناسان کلاسیک و مسائل اجتماعی ایران» به وبر اختصاص یافته است، و نیز جهت خودداری از اطاله کلام، فقط به آرا و نظریات وی ارجاع داده‌ایم.

آن‌چه در واقعیت مشاهده کرده، چقدر با آن نوع مثالی تفاوت یا شباهت دارد» (فتح‌آبادی، ۱۳۹۵: ۱۴۱) وبر نمونه آرمانی را سازه‌ای منطقی می‌داند (Weber, ۱۹۴۹: ۴۲). که استفاده از این مفهوم و سازه منطقی در مطالعات حقوقی و بررسی‌های اقتصادی سابقه دارد. یان کرایب معتقد است که سنخ آرمانی «ابزاری است که از رهگذر آن رویدادها و جریان‌های اجتماعی را با استفاده از فهم تفسیری درک می‌کنیم. گرچه وبر نوع مثالی یا سنخ آرمانی را به صورت اتوپییایی توصیف می‌کند، منظور او این نیست که نوع مثالی وضعیت دل‌خواه امور است که باید مقصد ما باشد. منظور او به طور ساده‌ای این است که نوع مثالی در واقعیت وجود ندارد» (کرایب، ۱۳۹۸: ۱۰۴).

وبر درباره چیستی و ماهیت سنخ آرمانی می‌گوید: «سنخ آرمانی فرضیه نیست، بلکه راهنمای ساختن فرضیات است و همچنین، سنخ آرمانی توصیف واقعیت نیست؛ بلکه ابزاری صریح و عاری از ابهام برای چنین توصیفی است» (وبر، ۱۳۹۷: ۱۴۰) و درباره محتوی، کاربرد و نحوه استفاده از سنخ آرمانی می‌گوید: «محتوای آن هرچه باشد، از اخلاقی، حقوقی، زیباشناختی، یا هنجارهای دینی گرفته تا یک اصل فنی... در پژوهش‌های تجربی فقط یک کارکرد می‌تواند داشته باشد و این کارکرد، مقایسه آن با واقعیت‌های تجربی به منظور تعیین تفاوت‌ها و شباهت‌هاست تا بتوانیم این واقعیت‌ها را با صریح‌ترین مفاهیم قابل درک توصیف کنیم و به صورت علی به فهم و تبیین آن نائل شویم» (همان: ۷۷ و ۷۸).

مقصود وبر از به کار بردن مفهوم سنخ آرمانی این است که پژوهشگر و دانشمند اجتماعی باید یک «غیرواقعیتی را بسازد که واضح، دقیق و کاملاً تجریدی باشد تا بتواند با کمک آن واقعیتی را که نامشخص، ناپایدار و به شکل غافل‌گیر کننده‌ای ملموس است، ادراک کرد» (Weber, ۱۹۷۸).

وبر سه نوع سنخ آرمانی را از هم متمایز می‌کند: نخست سنخ‌های آرمانی خاصی وجود دارند که الگوهای انضمامی منفردی را معرفی می‌کنند و ریشه تاریخی دارند که به خاطر تکینگی خود حائز اهمیت‌اند مانند شهر غربی، مسیحیت، و... دوم سنخ‌های آرمانی نوعی وجود دارند که عناصر تجریدی واقعیت اجتماعی را شامل می‌شود مانند فئودالیسم و دیوان‌سالاری که در برخی ادوار تاریخی وجود داشته‌اند؛ سوم سنخ‌های آرمانی هم هستند که راجع به اقتصاد و انگیزه‌های اقتصادی هستند برای نمونه مثالی گذار از سازمان صنایع دستی به سازمان اقتصاد سرمایه‌داری. (Weber, ۱۹۴۹: ۱۰۳-۱۰۱)

وبر خیلی صریح و روشن انتزاعی و آرمانی بودن نمونه مثالی را از قضاوت‌های ارزشی تفکیک کرده و تنها کمال منطقی برای آن متصور است. وی در این باره می‌گوید: «یک بار دیگر تکرار می‌کنم که سنخ آرمانی مورد نظر ما هیچ ربطی به قضاوت‌های ارزشی ندارد و هیچ اشاره‌ای به هیچ گونه کمالی به جز کمال صرفاً منطقی نمی‌کند. همان‌طور که می‌توان برای ادیان سنخ آرمانی ساخت، برای عشرتکده‌ها نیز می‌توان، خواه عشرتکده‌هایی که به لحاظ سلامت اخلاقی با

نقطه‌نظرهای تکنیکی دیگری "مصلحتی" هستند. خواه آن‌هایی که کاملاً خلاف چنین ملاحظاتی می‌باشند (وبر، ۱۳۹۷: ۱۵۳).

«برساختن سنخ‌های آرمانی انتزاعی، نه هدف بلکه وسیله است» (همان: ۱۴۳) و به تعبیر ژولین فروند «نمونه آرمانی جزء ابزارها و وسایل اکتشافی برای دادن صراحت و یک‌نواختی به موضوع تحقیق، چیز دیگری نیستند، دقیق‌تر بگوییم، آن‌ها شیوه‌های خالصاً تجربی هستند، که دانشمند، به‌میل و اختیار خود به مقتضای ضرورت تحقیق وضع می‌کند و اگر در عمل، کارایی لازم را نداشته باشند به‌همان ترتیب، رهایشان می‌کند. بنابراین ارزش نمونه‌های آرمانی منحصرأً به وسیله کارایی و بازدهی‌شان در تحقیق تعیین می‌شود. وقتی نمونه‌های آرمانی ساخته شده با موضوع تحقیق در دست اجرا متناسب نباشند، جامعه‌شناس مجاز است نمونه‌های آرمانی دیگر که مناسب‌ترند بسازد» (فروند، ۱۳۸۳: ۷۳ و ۷۲).

همان‌طور که گفتیم وبر بر این باور بود که سنخ‌های آرمانی فرضیه نیستند بلکه راهنمایی برای ساخت فرضیه هستند. به این معنی که سنخ‌های آرمانی نمی‌توانند فرضیه باشند چرا که فرضیات به جهان واقعیات مربوطند این در حالی است که سنخ‌های آرمانی اتوپایی هستند. به این معنی که که نمی‌توان سنخ‌های آرمانی را به شکل تجربی ابطال کرد. غالب اوقات سنخ‌های آرمانی اموری مرتبط با حوزه سودمندی هستند به‌تعبیری آن‌ها یا فایده دارند یا بی‌فایده هستند.

در نهایت وبر این‌گونه نتیجه می‌گیرد که «حال نباید همه این مطالب را این‌گونه سوء تعبیر کرد که شایسته‌ترین وظیفه علوم اجتماعی، جست‌وجوی دائمی نقطه‌نظرها و برساخته‌های تحلیلی است. برعکس بیش از هر چیز باید بر این نکته تأکید کرد که شناخت معنای فرهنگی وقایع و الگوهای انضمامی تاریخی تنها هدف انحصاری و نهایی علوم اجتماعی است که مفهوم‌سازی و نقد برساخته‌های تحلیلی نیز همراه با ابزارهای دیگر، در خدمت این هدف هستند.» (وبر، ۱۳۹۷: ۱۷۰) رابرت مرتون بر این باور است که «استخراج نتایج عملی از مقدمه‌های منطقی و تحقیق تجربی، هنر جامعه‌شناسی است و چیزی افزون بر علم است» (مرتون، ۱۳۸۵: ۸۷).

ساختن تیپ ایده‌آل چند کارکرد مهم دارد: ۱. کمک به مفهوم‌سازی داده‌های تجربی، ۲. کمک به صورت‌بندی فرضیه، ۳. کمک به کاربردپذیری و اتهام‌زدایی از این‌که تحقیقات کیفی به درد سیاست‌گذاری و مسئله‌گشایی نمی‌خورند، ۴. مبرا ساختن تحقیقات کیفی از اتهام تقلیل‌گرایی مکانی و محتوایی، ۵. مبرا ساختن تحقیقات کیفی از اتهام عدم تعمیم‌پذیری و کمک به تعمیم‌پذیری تحلیلی آن در کوتاه‌مدت و احتمال تعمیم‌پذیری یافته‌ها در بلندمدت از طریق انباشت دانش موضوعی و ۶. دادن خصلت مقایسه‌پذیری به تحقیقات کیفی که این موضوع به نوبه خود، تعمیم‌پذیری آن را ممکن می‌سازد؛ چه بسا تیپ ایده‌آل امکان‌تیین بر حسب تنوع تاریخی را ممکن می‌سازد (حبیب‌پور، ۱۳۹۷: ۲۵).

نکته دیگری که می‌توان در ادامه مباحث نظری به آن پرداخت، مفهوم سلطه و اقتدار است. گرچه این مفهوم غالباً در حوزه سیاست و قدرت و جامعه‌شناسی سیاسی به کار می‌رود، اما هدف از آوردن این مفهوم در حوزه مباحث نظری این مقاله، کار بست آن در مورد انواع گونه‌های سوگواری عاشورا می‌باشد. یعنی می‌خواهیم ببینیم که آیا در فضای مناسک عاشورا و بر روابط سازمانی و نهادی آن (هیئت‌ها و دسته‌های مذهبی) و بر کنشگران چه نوع سلطه و اقتداری، حاکم است؟ ساختار فرماندهی (ریاست و مدیریت) و فرمانبری در هیئات مذهبی چگونه است؟ گرچه بسیاری از هیئت‌های عزاداری از نظر انسجام، دوام، نظم و قواعد، تشکیلات، نحوه اداره و... مشخصات و مختصات یک سازمان یا نهاد رسمی را ندارند، اما ما در اینجا با اندکی تسامح مفهوم سلطه و اقتدار را نیز در مورد آن‌ها به کار برده‌ایم.

سنخ‌شناسی انواع سلطه و اقتدار از نظر وبر عبارتند از: کاریزماتیک، سنتی و قانونی- عقلانی. در سلطه و اقتدار از فرمانی صحبت می‌شود که «آن فرمان بر مبنای هنجاری معتبر پذیرفته می‌شود» (Weber, ۱۹۷۸:۹۴۶). «باید مفاهیم به‌روشنی تعریف شوند تا بتوانیم این ترکیبات را با توجه به- عناصر قانونی، سنتی و کاریزمایی موجود در آن‌ها تحلیل کنیم» (وبر، ۱۳۹۶:۲۷۴).

اقتدار و سلطه سنتی «بر پایه قواعد سنتی منصوب می‌شوند و از آنان به دلیل احترامی که سنت برایشان قائل است، پیروی می‌شود.» (همان، ۳۲۳) «کاریزما با آمیزه‌ای از حرمت، هیبت و وفاداری» همراه است. (Bryman, ۱۹۹۲:۴۱) وبر در مورد تأثیرات فرمانده بر پیروان در اقتدار کاریزماتیک می‌گوید: «از نظر روانشناسی، این تأثیر مربوط به یک اعتماد کامل شخصی به صاحب این خصوصیت است؛ و حاصل شور، امید و ناامیدی است.» (وبر، ۱۳۹۶:۳۹۸)

سلطه قانونی نوعی از سلطه است که «مبتنی بر اعتقاد بر قانونیت دستورها و قانونیت عناوین (فرماندهی) کسانی است که سلطه را اعمال می‌کنند» (آرون، ۱۳۹۶:۶۰۱). در استفاده از دستگاه اندیشگی و مفهومی وبر باید همواره این نکته را مدنظر داشته باشیم که انواع سه‌گانه سلطه و اقتدار، سنخ آرمانی هستند که به عنوان یک ابزار تحلیلی و مفهومی مورد استفاده پژوهشگر قرار می‌گیرند اما به شکل واقعاً ناب و در عالم واقعیت، وجود ندارند کرایب در تفسیر آرا وبر معتقد است «در عمل هر سه نوع سلطه در هر موقعیتی همزیستی دارند، ولی احتمالاً یکی از این سه برجسته‌تر است» (کرایب، ۱۳۹۸:۲۳۱).

با توجه به این تحلیل نظری می‌توان این‌گونه ادعا کرد که "سنخ‌های آرمانی گونه‌های سوگواری‌های عاشورا" بر اساس شواهد تاریخی اجتماعی و عینی و با تأکید یک‌جانبه بر یک یا چند دیدگاه و از طریق ترکیب کردن شمار زیادی از پدیده‌های منفرد انضمامی به‌دست خواهد آمد.

تحقیقات پیشین (سوابق تجربی موضوع)

۱. محسن حسام مظاهری (۱۳۹۰) نتایج تحقیقات خود را در کتابی با نام «جامعه‌شناسی آیین‌های سوگواری و هیأت‌های مذهبی در ایران» به چاپ رسانده است. این کتاب نخستین اثر مستقلی است که با موضوع بررسی جامعه‌شناختی آیین‌ها و مجالس سوگواری در ایران نوشته و منتشر شده است و حاصل پژوهشی چند ساله است و در نه فصل تدوین شده است. مظاهری ابتدا به بررسی و تحلیل تاریخ عزاداری، پیدایش و تکوین آیین‌ها و مجالس عزاداری پرداخته است. فرضیه بنیادین وی در این پژوهش رابطه عزاداری و تغییر و تحولات آن با وضعیت سیاسی، فرهنگی و اجتماعی هر عصر است. از این رو، در بخشی به تفصیل در باب بسترهای اجتماعی و فرهنگی که در هر عصر سبب ظهور یک آیین یا صورت جدید در عزاداری عاشورا شده است سخن گفته شده است. وی همچنین گونه‌های هیأت‌ها را بررسی کرده و در انتها، یک مدل تلفیقی و چند بعدی را به عنوان «مدل ساختی کارکردی» پیشنهاد کرده است. براساس این مدل، هیأت‌های مذهبی معاصر را در سه دسته «هیأت‌های عامه‌پسند»، «هیأت‌های انقلابی» و «هیأت‌های سنتی» و به علاوه، یک گونه فرعی «شبه هیأت‌ها» گنجانده است. مظاهری بر این باور است که اساساً آیین عزاداری شیعه، مقوله‌ای متعلق به دین‌داری عامه است و نسبتی با دین‌داری خواص یا نخبگان دینی ندارد.

۲. «بررسی جامعه‌شناختی تغییرات کارکردهای هیئت‌های مذهبی» عنوان پژوهشی است که توسط مهری بهار و ابوالفضل احمدی (۱۳۹۳) انجام شده است. پژوهشگران تلاش کرده‌اند در راستای چگونگی تغییرات کارکردی این گونه از مجالس دینی، ضمن برشمردن کارکردهای اصلی آن، بر اساس پنج شاخص مهم به عنوان ارکان اصلی هیئت‌های مذهبی شامل: مداح، مستمعین، ابژه، مکان و فضا و محتوا مورد بررسی قرار داده‌اند. این پژوهش با کمک روش کیفی، تحلیل محتوای فیلم‌های منتشر شده از ۱۳ مداح مشهور شهر تهران (۸ مداح مدرن و ۵ مداح سنتی) طی دهه‌های ۷۰ تا ۹۰ شمسی بوده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد برخی از مراسم عزاداری اکنون از کارکرد دینی به کارکرد هنری تغییر یافته است و در مواردی نیز حالت نمایشی یافته است و از کارکرد دینی و اصلی خود فاصله گرفته است.

۳. هاشم مرادی (۱۳۹۲) پژوهشی را با عنوان «مطالعه تغییرات مناسک عزاداری محرم در شهرستان طبس در سه دهه گذشته (۱۳۹۰-۱۳۶۰)» انجام داده است. این پژوهش تغییرات عزاداری‌ها، الگوهای عزاداری و علاوه بر این، نگرش مردم طبس را نسبت به این عزاداری‌ها و کارکردهای آن مورد مطالعه قرار داده است. در این راستا محقق با انجام یک پژوهش کیفی مردم‌نگارانه و با استفاده از روش‌های مصاحبه، مشاهده و مطالعه اسنادی به این امر پرداخته است. داده‌های جمع‌آوری شده در این پژوهش با روش توصیف غلیظ‌گیرتر مورد تحلیل قرار گرفته است. نتایج تحلیل نشان می‌دهد علاوه بر این‌که تغییرات ساختاری و محتوایی متعددی در این عزاداری‌ها

رخ داده است، نگرش مردم نسبت به الگوهای عزاداری سنتی و جدید، نگرشی مثبت است اما گرایش اکثر مردم به عزاداری سبک سنتی است. در این پژوهش، کارکردهای متعددی نیز برای این عزاداری‌ها و هیئت‌های عزاداری بیان شده است که می‌توان آن‌ها را به این صورت تقسیم‌بندی کرد: کارکرد دینی و مذهبی، کارکرد سیاسی، کارکرد هنری، کارکرد اقتصادی، کارکرد روانی، کارکرد مدیریتی و اجرایی، کارکرد آموزشی و فرهنگی.

۴. جبار رحمانی (۱۳۹۵) در پژوهش خود با عنوان «تغییرات مناسک عزاداری محرم» با روش کیفی مشاهده مشارکتی به بررسی هیأت‌های سبک جدید در مداحی و عزاداری پرداخته است. مبنای تئوریک این تحقیق، نظریات دورکیم و کلیفورد گیرتز (دین به مثابه نظام فرهنگی) بوده است. رحمانی بر این باور است که گفتمان کربلا در صورت‌بندی سبک جدید آن، وجه عرفانی، شورانگیز و ارجاع به درون را اصل قرارداده و تمام نمادها در بستری از این تولید و تفسیر می‌شوند. هر رفتار، کلام، نحوه مداحی، و محتوای مداحی که جدید و بدیع بوده، بواسطه ساز و کارهای درونی این گفتمان معنادار شده و برای آن توجیهی دینی و مقدس فراهم می‌شود. از نظر وی، گفتمان کربلا در سبک جدید آن، بیش از همه در بین جوانان رواج دارد و از قرائت دینی آن هم از لحاظ محتوایی و هم از لحاظ موسیقایی فاصله گرفته و محتوای آن به سمت پاپ شدن می‌رود. رحمانی نتیجه می‌گیرد که ورود آهنگ و موسیقی در این گفتمان و گرایش گسترده مداحان سبک جدید به تقلید از موسیقی پاپ داخلی و خارجی و رسانه‌ای شدن آن‌ها سبب شده که به نوعی صنعت فرهنگ در این گفتمان شکل گیرد. تولیدگسترده و متنوع مداحی‌ها، هم در محتوا و هم در موسیقی و کالایی شدن این تولیدات، به همراه گرایش گسترده جامعه به مصرف انبوه این سبک جدید بازار بزرگی را ایجاد کرده است.

۵. کرمی‌پور و حاجی ابوالحسنی (۱۳۹۵) نیز پژوهشی با عنوان «بازنمایی عنصر شور و احساس در آیین‌های محرم» را به روش کیفی و مبتنی بر نظریه کیلفورد گیرتز انجام داده‌اند. مسئله اصلی در این پژوهش توصیف عناصر شور و احساس در مناسک محرم، با تأکید بر فهم چیستی آن در قالب دین زیسته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که آیین محرم از یک طرف مؤلفه‌هایی هویت‌ساز و تقویت‌کننده ساخت اجتماعی‌اند که توانسته‌اند در بازتولید روحیه، ارتباطات جمعی، روابط درون گروهی، پیوندهای اجتماعی، آگاهی جمعی، و بازسازی باورهای دینی نقش‌آفرینی کنند و از طرف دیگر پیونددهنده گذشته و حال بوده‌اند و پژوهشگران به این نتیجه رسیده‌اند که فهم رابطه شور و احساس در مناسک و آیین دینی راه رسیدن به حقیقت دین را هموار خواهد کرد.

۶. اصغر منتظر القائم و زهرا سادات کشاورز (۱۳۹۶) نیز پژوهشی را با عنوان «بررسی تغییرات اجتماعی مراسم و مناسک عزاداری عاشورا در ایران» را با رویکرد جامعه‌شناسی تاریخی انجام داده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که اساس عزاداری عاشورا، لزوم آگاهی به اهداف قیام امام

حسین(ع)، تأکید بر درسی روایات مورد استفاده در مجالس عزاداری، لزوم اقتباس الگوهای عزاداری عاشورا از علما و مراجع، جعل و تحریفات تاریخی حادثه عاشورا، عزاداری صوری و عوامانه، رواج عزاداری ریاکارانه، عزاداری دور از شأن امام حسین(ع) و وهن و توجه و یا بی‌توجهی به عقل به عنوان معیار اساسی در دین را در این زمینه، می‌توان متأثر از فرهنگ و تحولات اجتماعی ایران در دوره‌های مختلف به شمار آورد. پژوهشگران در این پژوهش معتقدند به نظر می‌رسد آنچه که عامه مردم دنبال می‌کنند، نوعی از دین‌داری است که در سایه فضای مناسکی عزاداری‌ها و هیأت‌ها که به زعم خودشان، فضایی مقدس و معنوی و به دور از آلودگی‌های مادی و دنیوی است قابل دست‌رسی است.

روش پژوهش^۱

روش پژوهشی ما در این جا با توجه به ماهیت پژوهش، روش کیفی بوده و استراتژی این پژوهش، استراتژی استقوامی است چرا که هدف محقق آن است که به صورتی عمیق و با استفاده از مفاهیم مورد استفاده توسط خود کنشگران میدان تحقیق، فرایند کسب داده‌ها را به پیش ببرد. بر مبنای این استراتژی برای تفهم کنش کنشگران و سنخ‌بندی آن‌ها لازم است که روشی متناسب با این اهداف و نیز مسئله پژوهش یعنی مجموعه‌ای پویا از روش‌های کیفی را برای انجام پژوهش به کار بست. بنابراین برای گردآوری داده‌ها علاوه بر روش اسنادی از مجموعه روش‌هایی نظیر: مشاهده مشارکتی، تکنیک مصاحبه، سنجش‌های غیرمزامی (همچون بررسی مطالب سایت هیئات مذهبی، سخنرانی‌های ضبط‌شده، تبلیغات محیطی هیئات و ...) جهت جمع‌آوری داده‌ها و توصیف هرچه بیشتر میدان استفاده گردید. در بخش مشاهده مشارکتی، محقق نخست، دست به مشاهده توصیفی^۲ به منزله آشنایی با میدان تحقیق و تشریح کلی آن زده است. بعد از این مشاهده متمرکز^۳ میدان را برای تمرکز هر چه بیشتر بر پرسش‌های تحقیق شروع و در پایان مشاهده گزینشی^۴ برای رسیدگی به مسئله و اهداف پژوهش پی‌ریزی شده است. هدف نهایی در انتخاب روش‌های انتخابی، پاسخ به سؤالات تحقیق با در نظر گرفتن محدودیت‌های روشی و میدانی می‌باشد. مرحله بعدی پژوهش، مصاحبه با اعضای هیئت می‌باشد. از میان انواع مختلف مصاحبه‌ها، مصاحبه اپیزودیک، شیوه‌ای است که در این پژوهش استفاده شده است. «مصاحبه اپیزودیک در پی آن است که هم از مزایای مصاحبه روایی و هم از مزایای مصاحبه نیمه ساخت‌یافته استفاده نماید» (فلیک، ۱۳۹۶: ۱۳۹۶).

۱. پژوهشگر در بخش روش‌شناسی پژوهش، از کمک‌های مشاوره‌ای حمید آوزرمانی (دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی بررسی مسائل اجتماعی دانشگاه تهران) برخوردار بوده و لازم می‌داند که از ایشان تشکر نماید.

۲. Descriptive observation

۳. Focused observation

۴. Selective observation

۲۰۷). این نوع مصاحبه بر توانایی مصاحبه‌کنندگان برای روایت هر تجربه در قالب بستر و روند خاص خودش متکی است. مصاحبه‌اپیزودیک در برخی حوزه‌ها بازنمایی تجربیات را تسهیل و در عین حال تضمین می‌کند که آن موقعیت‌ها و اپیزودها به شکل دقیق و همراه با جزئیات بازگو شوند. محقق در این مرحله به تنهایی و بدون استمداد از دیگران به مصاحبه با کنشگران پرداخته و پس از انجام هر مصاحبه به، تحلیل مصاحبه‌ها نیز پرداخته است.

نمونه‌هایی که در این پژوهش مورد تحقیق قرار گرفته‌اند همگی شرکت‌کنندگان مستمر و همیشگی هیأت مذهبی هستند که همگی مرد و در بازه سنی ۱۶ تا ۷۱ سال قرار داشته‌اند که در چندین سال متناوب در شهرهای مختلف نظیر مشهد، کرمانشاه، تهران، نهاوند، ورامین، سمنان، نیشابور، گرمسار مورد مصاحبه قرار گرفته‌اند. مصاحبه‌ها معمولاً قبل یا بعد از مراسم عزاداری با کنشگران (سوگواران) صورت گرفته است.

روش نمونه‌گیری در پژوهش حاضر، روش نمونه‌گیری نظری بوده است که در آن محقق به افراد و گروه‌ها بر اساس معیارهای نظری و میزان روشنایی بخشی احتمالی‌شان برای نظریه تحقیق مراجعه نموده است و معیار اشباع نظری ملاک توقف مصاحبه بوده است که بر این اساس با ۳۲ نفر مصاحبه صورت گرفته است. تقریباً پس از مصاحبه با ۱۴ نفر از افراد مراحل اولیه تیپ‌شناسی پاسخ‌گویان نیز شکل گرفت که رفته رفته شکل کامل‌تری گرفت و در نهایت بعد از ۲۶ مصاحبه اشباع نظری صورت گرفت به گونه‌ای که با انجام ۶ مصاحبه دیگر یافته جدیدی حاصل نشد.

برای تحلیل داده‌ها، از تکنیک تحلیل مضمون استفاده شده است که در آن محقق از طریق عمل کدگذاری، طبقه‌بندی داده‌ها و الگویابی درون - داده‌ای و برون - داده‌ای به یک گونه‌شناسی تحلیلی دست می‌یابد.

در نهایت برای بحث اعتبار و پایایی تحقیق نیز از تمهیداتی زیر استفاده شده است:

برای بحث اعتبار در ابتدا از روش تحلیل موقعیت مصاحبه استفاده کردیم. این روش به این صورت است که به‌لحاظ صوری کنترل کنیم که آیا درجه‌ای از صحت و وثوق را که در طول مصاحبه به دنبال آن بودیم فراهم‌شده است یا خیر؟). به عبارتی هر پرسشی که از مصاحبه‌شوندگان پرسیده می‌شد، از لحاظ صحت و وثوق نیز مورد بررسی قرار می‌گرفت و اگر در صحت گفته‌ها تردید پیدا می‌کردیم با پرسیدن سوالات دیگر و به چالش کشیدن پاسخ‌ها سعی در رفع تردید در عدم درستی پاسخ‌ها می‌نمودیم.

خود بازبینی، اصلی اساسی در این تحقیق بوده است. به عبارتی، با بررسی مکرر مفروضات، مقدمات نظری که نقش حساسیت‌بخشی در فرایند کسب داده‌ها را بر عهده‌دارند توجه به نکات ریز کنترلی در انجام فرایند مصاحبه و تأکید بر افزایش کیفیت مصاحبه‌ها پس از شروع هر مرحله جدید، سعی بر افزایش اعتبار این تحقیق داشته‌ایم.

تمهید یا نکته دیگری که می‌تواند نشان‌گر توجه به امر اعتبار این پژوهش باشد، حضور پیوسته خودِ پژوهش‌گر در میدان است که مهم‌ترین ابزار در روش کیفی برای جمع‌آوری اطلاعات از میدان می‌باشد. نگارنده برای تأمین پایایی این تحقیق از چند تمهید مانند: جمع‌آوری داده‌های محیطی فراوان از طریق عکس، ضبط صدا، توصیف غنی روابط و پدیده‌های درون هیئت، بررسی تحلیلی و حذف نکات زائد و برجسته کردن مواردی که در مرحله بعد به دقت‌تر و شفاف‌تر شدن پژوهش کمک می‌کرد استفاده نموده است. این توصیف غنی در محیط، به‌واسطه شفافیتی که در مراحل تحقیق به وجود می‌آورد فی‌نفسه پایایی یا آن‌چنان که در تحقیقات کیفی بهتر است گفته شود قابلیت انتقال را افزایش می‌دهد. تمهید بعدی که در تحقیق مورد استفاده قرار گرفت، انجام تحقیق در مدت‌زمانی طولانی‌تر و بالطبع بازبینی و تحلیل‌های دوباره و چندگانه‌ای است که در مورد هر رخداد یا نکته کلیدی انجام گرفت. این تحلیل‌های دوباره و استاندارسازی روندها، کار انتقال‌پذیری این پژوهش را آسان‌تر می‌کند. تمهید آخر نیز، اعمال الگوی ثابتی از فرایند کدگذاری‌ها و استخراج مضامین موردنظر از میان داده‌های به‌دست‌آمده از طریق مصاحبه‌ها می‌باشد.

یافته‌های پژوهش

۱. یافته‌های جانبی

در کشور ایران اقامه عزا بر امام سوم شیعیان و شهدای کربلا و مناسک مرتبط با آن با شور و حرارت و هیجان و تنوع خاصی انجام می‌شود. این مناسک با آغاز ماه محرم شروع و به تدریج منسجم‌تر و متشکل‌تر می‌شود (خاصه دهه اول محرم) و اوج آن عزاداری روز عاشورا است. در این ایام مناسک مختلفی نظیر ادای نذورات، روضه خوانی، قربانی کردن، طشت‌گذاری، گهواره‌گردانی، نخل‌گردانی، تعزیه‌خوانی، علامت‌گردانی، کربزنی، مراسم بنی‌اسدی و... انجام می‌گیرد. برخی از این مناسک خاص یک منطقه جغرافیایی یا گروه قومی هستند (نظیر نخل‌گردانی در میان یزدی‌ها، کربزنی در بین لاهیجانی‌ها، طشت‌گذاری در میان اردبیلی‌ها) و برخی دیگر در غالب نقاط کشور انجام می‌شود. همچنین از نمادها^۱ و ابژه‌های^۲ مختلف و متنوعی مانند جامه سیاه، سرزند، پرچم، کتیبه، خیمه، اسپند، شمع، طبل، سنج، زنجیر و... نیز استفاده می‌شود.

۱. Symbol

۲. Objective

۲. یافته‌های اصلی پژوهش

تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده از میدان تحقیق نشان می‌دهد که می‌توان کنش‌های سوگواران را با عنایت به مفهوم وبری نوع آرمانی در چهار شکل صورت‌بندی کرد که ما آن‌ها را: ۱. سنت‌گرایان^۱، ۲. شکل‌گرایان (فرم‌گرایان)^۲، ۳. قومیت‌گرایان^۳ و ۴. نوگرایان دینی^۴ صورت‌بندی و نامگذاری کرده‌ایم. البته این سنخ‌شناسی^۵ به این معنی نیست که همه کنشگران (جامعه سوگواران ایران) را در بر می‌گیرد، بلکه بیشتر یک مطالعه توصیفی - تحلیلی و صورت‌برداری از کنشگران این مناسک و مراسم می‌باشد. همچنین تقسیم‌بندی و صورت‌بندی فوق الزاماً به این معنی نیست که تمامی ویژگی‌ها و مختصات ذکر شده فقط در یک تیپ یافت می‌شود و نیز به این معنی نیست که یک مرز و تفکیک دقیقی بین آن‌ها وجود دارد! بلکه هر کدام از آن‌ها یک تیپ ایده‌ال محسوب می‌شود که برای مطالعه پدیده‌ای فرهنگی - اجتماعی به نام سبک‌های مناسک سوگواری عاشورا طراحی شده است. همان‌طور که وبر گفته است «محتوای سنخ آرمانی هرچه باشد، از اخلاقی، حقوقی، زیباشناختی، یا هنجارهای دینی گرفته تا یک اصل فنی... در پژوهش‌های تجربی فقط یک کارکرد می‌تواند داشته باشد و این کارکرد، مقایسه آن با واقعیت‌های تجربی به منظور تعیین تفاوت‌ها و شباهت‌هاست تا بتوانیم این واقعیت‌ها را با صریح‌ترین مفاهیم قابل درک توصیف کنیم و به صورت علی به فهم و تبیین آن نائل شویم.» (وبر، ۱۳۹۷: ۷۷ و ۷۸) در ادامه به شرح و تحلیل و تفصیل این سنخ‌شناسی و ویژگی‌ها و مختصات هر کدام از تیپ‌ها، سبک‌ها و گونه‌های سوگواری عاشورا می‌پردازیم:

الف: سنت‌گرایان: این تیپ از سابقه تاریخی بیشتری نسبت به سایر جریانات برخوردار است و خود را متشرع (شریعت محور - سنت‌گرا) می‌داند و به تعبیری به لحاظ زیست‌جهان^۶ و سپهر اندیشگی، در یک زیست‌جهان سنتی سیر می‌کند و شعائر و مناسک مذهبی خود را بر پایه آن سامان می‌دهد.

این تیپ با نگاهی سنتی با واقعه عاشورا برخورد می‌کند و بر قرائت تراژیک و حزن‌انگیز و تقدیرگرا از واقعه عاشورا، گرفتن برات کربلا، دل‌ها را به کربلا بردن، کسب ثواب، گریه بر امام حسین(ع) و توصیف و بیان مصائب و مظلومیت اهل بیت و آسرای کربلا، توصیف روابط وفاداران

۱. Traditionalists

۲. Formalists

۳. Ethnicitists

۴. Religion Modernists

۵. Typology

۶. مراد ما از مفهوم زیست‌جهان در این‌جا، معنای هابرماسی آن نیست بلکه بیشتر به یک فضای حیاتی و تنفسی و جهان اجتماعی اشاره دارد.

خانوادگی و عاطفی قهرمانان کربلا^۱، اصرار بر گریه (تکرار در کاربرد واژگان بکا، تباکی) و... تأکید می‌کند و امام حسین را انسان مظلومی می‌داند که با گریه بر او می‌توان تسکین یافت و استشفاع کرد. از نظر این جریان، امام حسین (ع) به خاطر احیاء اسلام، شفاعت شیعیان در روز قیامت و آمرزش گناهان پیروانش^۲ قیام کرده است.

محمد، ۴۷، راننده شرکت واحد: «ما به عشق آقا امام حسین اینجا میایم. اصلاً از بچگی توی هیئت بزرگ شدیم و به اصطلاح "بچه هیئتی" هستیم. بند ناف ما را با کربلا و عاشورا و محرم بریدن. امام حسین خودش و خونادشو به کشتن داد تا روز قیامت برای ما وساطت کنه. اصلاً پیشونی نوشت امام حسین، شهادت بوده. ما گریه می‌کنیم تا هم سبک شیم و هم بار گناهامون شسته بشه و هم ثوابی ببریم... مسجد ما در تمام مناسبت‌های مذهبی مربوط به اهل بیت فعال هستش... پای روضه حاج آقا که می‌شینیم غم دنیا فراموشمون میشه و به یاد اهل بیت امام می‌افتیم و واسشون گریه می‌کنیم. همین گریه‌ها هم ما را به کربلا می‌بره و هم روز قیامت نجاتمون می‌ده. اینجا مداح‌ها و نوحه‌خوانمون، دلمون رو سبک می‌کنن و توی سه چهار ساعت روضه و مداحی و نوحه خونی و وعظ، واقعاً خودمون رو توی دشت کربلا حس می‌کنیم...»

اماکن عزاداری و پایگاه‌های سوگواری این جریان را می‌توان در درجه اول مساجد و سپس حسینیه‌ها، سجاده‌ها، زینبیه‌ها و... دانست که در این میان مسجد پایگاه اصلی تلقی می‌شود؛ همچنین به لحاظ حضور خیرین متمول، نزدیکی به بازار و مراکز سرمایه، اعتمادسازی عمومی، جذب نذورات و ... از تمول و تمکن مالی بیشتری برخوردار است.

به لحاظ ادبیات، تا چندین دهه عمدتاً از ادبیات سنتی، نوحه‌ها و مرثیه‌ها و منقبت‌ها و اشعار سنتی نظیر ترجیع‌بند معروف محتشم کاشانی (باز این چه شورش است که در خلق عالم است...^۳) استفاده می‌شد و در سالیان اخیر اشعار و نوحه‌های جدید- که بعضاً هنوز سنن موسیقایی شعر را حفظ کرده‌اند و... - استفاده می‌کنند.

۱. روابط برادری امام حسین با عباس، برادری- خواهری عباس با زینب، روابط عمو - برادرزادگی عباس با فرزندان امام حسین، روابط عمه - برادرزادگی زینب با فرزندان امام حسین و... .

۲. به نظر می‌رسد ریشه اندیشه «شفیع شدن و شفاعت کردن گناهان شیعیان» به کتاب *محرق القلوب* اثر ملامهدی نراقی (۱۱۲۸-۱۲۰۹ق) از علما و فقهای شیعه در عصر افشاریه و زندیه بر می‌گردد.

۳. باز این چه شورش است که در خلق عالم است، باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است، باز این چه رستخیز عظیم است؟ کز زمین، بی نفخ صور، خاسته تا عرش اعظم است، این صبح تیره باز دمید از کجا؟ کزو کار جهان و خلق جهان جمله درهم است ... گر خوانمش قیامت دنیا، بعید نیست، این رستخیز عام، که نامش محرم است...

گرچه از سازوبرگ هم در عزاداری‌ها استفاده می‌کند اما به شکل روز افزونی بر حجیم شدن و فربگی مناسک و مراسم و نیز کشف، بر ساخت و تولید مناسبت‌های تاریخی - مذهبی تأکید دارد.^۱ این جریان در اجرای مناسک عاشورا علاوه بر مداحی و نوحه‌خوانی، ذکر مصیبت، روضه خوانی، موعظه و سخنرانی، قرائت دعای زیارت عاشورا در ابتدای مراسم، اقامه نماز ظهر عاشورا و... را نیز در برنامه خود دارد.

قاسم، ۶۸ ساله، بازنشسته بانک: «تو این ده شب، ما اول و سر تایم از زیارت عاشورا شروع می‌کنیم. بعد مسجد که شلوغ‌تر می‌شه تقریباً تمام آیین‌های عاشورا مثل روضه، مقتل خونی، نوحه، مرثیه، مداحی، سخنرانی و وعظ ... همه را بیشتر این ده شب انجام می‌دیم... البته پسران ما من نمیان. اونا جوونن و میرن یه هیئت مخصوص جوونا. راستشو بخواین من از سبک‌بازی توی مسجد و هیئت خوشم نیامد. مداحی و نوحه‌خونی باید سنگین باشه. گاهی هم که مسجد نتونم بیام، پای برنامه‌های تلویزیون می‌شینم و از روضه و مداحی و سخنرانی آقایون علما و مداحان اهل بیت استفاده می‌کنم. قدیمی‌ترین نوحه‌ای که هنوز صداسش توی گوشه اون نوای معروف "باز این چه شورش است" است... اینجا ما فقط برای امام حسین و دست بریده عباس، گلوی تشنه علی اصغر و مصائب خانم زینب گریه نمی‌کنیم، بلکه برای قیامت خودمون هم گریه می‌کنیم. همین گریه‌ها ما را بیمه می‌کنه و دخیره‌ای برای آخرت‌مون میشه... مسجد و هیئت ما، تشکیلات و حساب و کتاب داره و زیر نظر هیئت امنای مسجد (چند معمر و قدیمی، خود امام جماعت مسجد و پیشکسوتان) اداره می‌شه. خودم هم پیرغلام هستم. الحمدلله بزرگان مسجد و همه خیرین کمک می‌کنن و بساط عاشورا خودش جور میشه و هیچ وقت هم لنگ نمونه...»

کنشگران این تیپ تفسیر خود را از عاشورا از ترکیب دو گانه "واعظ/مداح" اخذ می‌کند. وُعاظ و روحانیون منتسب به این جریان، تفسیر عاشورا (با قرائتی فقهی و تاریخی) و مداحان نیز شور و تحرک و تزریق هیجان را بر عهده دارند. غالب روحانیون و مداحان ارشد منتسب به این جریان از دسترسی کامل به صدا و سیما برخوردارند. آقایان انصاریان، پناهیان، رفیعی و... منصور ارضی، محمدرضا طاهری، سعید حدادیان و... از چهره‌های شناخته شده‌تر ترکیب دو وجهی واعظ/مداح این جریان هستند.

همچنین با توجه با مباحث مطرح شده درباره انواع اقتدار و سلطه، می‌توان گفت که نوع رابطه فرمان‌دهی - فرمان‌بری در این مساجد و هیئت‌های مرتبط با این تیپ سوگواری، از جنس سلطه سنتی (احترام به ریش سفیدی، شیخوخیت و پیرسالاری و جایگاه خاص پیرغلامان) می‌باشد.

۱. برای نمونه نگاه کنید به: سوگواری برای خدیجه همسر پیامبر در روز نهم رمضان، سوگواری برای وفات ابوطالب عموی پیامبر، عزاداری برای ام‌البنین (همسر امام علی و مادر حضرت عباس) در سال‌های اخیر.

ب: شکل‌گرایان (فرم‌گرایان): این تیپ که روز به روز بر تعداد اعضای آن افزوده می‌شود می‌توان آن را متشرع (شریعت محور - شکل‌گرا، عوام‌گرا) دانست و به لحاظ زیست‌جهان و سپهر اندیشگی، در یک زیست‌جهان التقاطی سنتی/ مدرن / پست‌مدرن سیر می‌کند و شعائر و مناسک مذهبی خود را بر پایه آن سامان می‌دهد.

فرم‌گرایان محصول زندگی روز افزون شهرنشینی، حاشیه‌نشینی^۱، جمعیت جوان و پرتحرک بودن و شالوده‌شکنی و قالب‌ناپذیری این قشر سنی و تنوع‌طلبی در سبک زندگی است. این جریان با خروج از دل جریان سنتی، راه خود را جدا کرده و غالب افراد تشکیل‌دهنده و حامی آن به لحاظ ویژگی‌های سنی و روحی و روانی خاص خود، روش‌های سنتی سوگواری (در قالب دسته‌های سینه‌زنی، ساز و برگ کم، خواندن مرثیه‌های قدیمی و سنتی و قالب‌های شعری و ادبی گذشته) را نپذیرفته و معتقد است که این روش‌ها دیگر آن شور لازم را ایجاد نمی‌کنند. می‌توان کنش‌های این تیپ را نوعی مقاومت^۲ در برابر قدرت گفتمان مذهبی رسمی تلقی کرد. به نظر می‌رسد که نسل جوان امروز به این جریان تعلق خاطر خاصی دارد. ویژگی خاص این جریان این است که در درون خود تنوع زیادی دارد و در گوشه و کنار کشور شیوه‌های خاصی را از خود بروز داده است.

امیرعلی، ۱۸ ساله، پشت کنکوری: «من از بچگی مسجد و هیئت محلمون می‌رفتم. اما اونجا بهم حال نمی‌داد. می‌دونید یه جورایی عزاداری می‌کردن که به دلم نمی‌نشست. چند سالیه که میام این هیئت. اینجا دائمی نیست فقط دهه اول محرم و اربعین و ۲۸ صفر و چند مناسب دیگه برقراره و شلوغ‌تره. ما جونیم نمی‌تونیم مثل قدیمی‌ها عزاداری کنیم. اونا هم نمی‌تونن مثل ما عزاداری کنن. ما اینجا محرم‌ما یه جورایی حال می‌کنیم. انرژی می‌گیریم. برای چند ساعت شور و حال عجیبی پیدا می‌کنیم. اینجا موقع سینه‌زنی لخت می‌شیم. این‌جا باید رودر واسی و غرورتو بذاری کنار و هم‌رنگ جماعت شی... توی خونه هم معمولاً مداحی‌های پرشور و حال رو گوش می‌کنم. الانم گوشیم پر از این مداحی‌هاس. خدا رحمتش کنه سیدذاکر رو. خیلی با نوا و صداس حال می‌کنم. ما اینجا تا سر حد مستی، عزاداری می‌کنیم. خومون نمیایم از طرف آقا برامون دعوتنامه میاد؛ دعوت‌نامه دلی. روز عاشورا هیئتمون راه می‌افته به سمت امام‌زاده. راستشو بخواین یه جورایی با هیئت‌ها و دسته‌های دیگه، رو کم‌کنی داریم... بیشتر خرج هیئت را خود صاحب مجلس میده و خیلی از بچه‌ها خودشون دونگ می‌ذارن واسه خریدن طبل و زنجیر و اِکو و سایر ملزومات...»

۱. حاشیه فرهنگی و اجتماعی

۲. شاید این سخن فوکو در اینجا معتبر باشد: «هر جا که قدرت هست، مقاومت هم هست.» (Foucault, ۱۹۸۲)

در اواخر دهه هفتاد چهره‌هایی نظیر نریمان پناهی، سیدجواد ذاکر و حسین علیمی از پیش‌قراولان این تیپ بودند. سپس در اوایل دهه هشتاد چند صباحی از بحر طویل «بوی سیب و...»^۱ و سپس «بوی محرّمش میاد...»^۲ تغذیه کرد. اما به تدریج تلفیق و ترکیب شعر و موسیقی پاپ^۳ را به اوج رساند. در این تیپ برای شورآفرینی، ادبیات جدید و گاه منحصر به فردی به کار می‌رود که عموماً ظاهرآرایی است و خالی از محتوا و عدم پایبندی به سنن موسیقایی شعر. در کنار شعر و ادبیات جدید (رهایی از سنن موسیقایی شعر) از آلات و دستگاه‌های موسیقی مدرن^۴ (بعضاً نظیر جاز!) نیز استفاده می‌شود. لایه‌هایی از این جریان، بعضاً استفاده از انواع شعر و ترانه‌ها را با اندکی تغییر ظاهری و نه ماهوی، برای ایجاد شور مجاز می‌داند! مانند: "بزن بریم! بزن بریم! به سرعت ذوالجناح! و...". همچنین نوحه‌هایی با مفاهیم و مضامین عشق، جنون، رقص، مستی، رقاصه عباس بودن و... به وفور شنیده می‌شود. کنشگران پرشور این جریان خاصه در دهه اول محرّم، مراسم سوگواری را با غلیان عواطف و تحریک احساسات و شور و هیجان خاصی (و نه الزاماً ماتم‌زا) بر پا می‌کنند و نوحه‌هایی می‌خوانند که اگر نام امام حسین(ع) و حضرت عباس(ع) و... را از آن حذف کنیم، این اشعار و نوحه‌ها دیگر چندان حزن‌انگیز و ماتم‌زا به گوش نمی‌رسند.

در تفسیرات این جریان از واقعه عاشورا، حادثه‌سازان عاشورا همگی عناصری فرامکانی، فرازمانی، قهرمانانی اسطوره‌ای و شخصیت‌هایی غیر قابل دسترس و... هستند. قرائت‌های ذلیلانه، التماس‌گرانه، ضدعقلانی، اسطوره‌گرایانه و... از واقعه کربلا به کرات در محتوای مداحی‌های این جریان قابل مشاهده است.

۱. بوی سیب و حسین غریب و کربو بلا، بوی سیب و حسین غریب و ناله حبیب و کربو بلا، بوی انبر خنجر روی خنجر کربوبلا... بوی سیب و حسین غریب و ناله حبیب و کربلا... بوی انبر خنجر روی خنجر کربوبلا... .
۲. بوی محرّمش میاد، خیمه و پرچمش میاد، فرشته از تو آسمون برای ماتمش میاد، رقیه دخترش میاد، صدای مادرش میاد، تشنگی بالمش میاد، حسین با زینش میاد، شاهزاده ای جوون میاد، عباس پهلوون میاد، یه طفل زیبایی میاد، صدای لالایی میاد... آقاماشات می‌کنه، اگه یه دست عاشقی، وصله به دریات می‌کنه و... .
۳. نفیسی بر این باور است که موسیقی پاپ ایرانی «ملغمه‌ای است از دسیکوه‌های ترکیبی، موسیقی لاتین، رگا، موسیقی یک بیت، ریتم ۶/۸ فارسی، استفاده از پرکاشن و ملودی‌هاست. رایج‌ترین محل برای اجرای این موسیقی در غربت [آمریکا] در محل برگزاری کنسرت‌هاست. جایی که امکان می‌دهد هزاران ایرانی تین ایجر و بالغ در فضایی آکنده از همهمه و غوغا خود را یله کنند و در جوی وسوسه کننده و نیز نوستالوژیک که تالار را فرا گرفته غرقه شوند، اندیشه محوری در این مجامع این است که موسیقی به جای شنیده شدن، با پوست حس می‌شود. در اینجا تغییر حسی و ریتم موسیقی از کلام و شعر تصنیف بسیار مهم‌تر است. بافت صداها و اصوات و همهمه همه چیز دیگر را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد.» (به نقل از گیویان، ۱۳۹۰)
۴. «نکته محوری در اینجا گسترش روزافزون تشابه‌های اصولی بین بنیادهای موسیقایی و اجرایی برخی اجراهای مداحی و موسیقی‌های عامه‌پسند است.» (گیویان، ۱۳۹۰: ۱۹۸)

مهران، ۲۶ ساله، بوتیک‌دار: « من هیئتی که توی این پارکینگ درست شده رو به خاطر این دوست دارم که راحت سینه‌زنی می‌کنیم و اون جوروی که خودمون دوست داریم عزاداری می‌کنیم. رئیس و آقا نداریم. مسجد قبلی که می‌رفتم هم پیش نمازش و هم پیرمردای متولی مسجد (هیئت امنای) گیر زیاد می‌دادن و مدام تذکر می‌دادن. حتی به مارک و نوشته‌های روی تی‌شرت‌ها اینجا راحتیم. عزاداری واسه ما یه جور دورهمیه، اون عشق و شور و حالی که می‌خوایم توی همین هیئت به دست میاریم. چراغاً رو که خاموش می‌کنن و صدای "سین سین" همه جا می‌پیچه و از خودمون بیخود می‌شیم. نورپردازی هم که باشه نور علی نوره. به نظر من امام حسین و حضرت عباس آدمای معمولی نبودن. اونا سطح بالا و آسمونی بودن. اگر معمولی بودن که این همه واسشون عزت و احترام نمی‌داشتن. اصلاً امام حسین بالاتر از انسانه. یه جورایی یه اسطوره اس. فقط یه اسطوره می‌تونه این همه سال توی دل مردم بمونه. شوخی که نیست... این جا همه ما نوکر و غلام و بنده امام حسینیم... بانی هیئت خودش خیلی آدم خوبیه و حرمت جوونا رو نگه می‌داره. پارسال هم با خرج خودش کل ده شبو یه مداح معرف دعوت کرده بود، کلی با صدا و نواش حال کردیم و کلی عکس سلفی و یادگاری گرفتیم. چه شوری داشت. به نظر من عزاداری که توش هیجان و شور و عشق و حال نباشه، عزاداری نیست. من خودم به شخصه با سخنرانی و موعظه و اینجور چیزا حال نمی‌کنم. اصل عزای امام حسین، مداحی‌های پر شور و حاله. توی کانال چند تا هیئت و مداح عضو هستم. خیلی هاشونو دانلود کردم. یه وقت‌هایی توی مغازه یا ماشین، همین‌ها رو گوش می‌کنم...»

مکان‌های عزاداری این جریان را می‌توان هیئت‌ها و تکیه‌ها (غالباً موقتی، داربستی، چادر برزنتی و...)، پارکینگ مجتمع‌های مسکونی، باشگاه‌های ورزشی و... بر شمرد. اجرای مراسم بر روی سن، حمل غلم و کُتل و علامت‌های بزرگ، طبل‌های عظیم، استفاده از نورپردازی و نیز سیستم‌های صوتی جدید، آلات موسیقی مدرن و... از ابزارهای شورا‌فرین و تهییج‌کننده این جریان می‌باشد؛ چرا که غالباً با دسته‌جات دیگر خود را رقیب می‌دانند و مدام بر افزودن سازو برگ هیئت متبوع خود تأکید می‌کنند.

وجه تمایز این تیپ با سنت‌گرایان این است که عاشورا را عمدتاً با تفسیر مداح می‌پذیرد و اخذ می‌کند و کمتر خود را مقید به آداب سنتی مرتبط با عاشورا (سخنرانی، موعظه، قرائت دعای زیارت عاشورا در ابتدای مراسم، اقامه نماز ظهر عاشورا و...) می‌داند و از ساز و برگ بیشتری در مراسم خود استفاده می‌کند و همان‌طور که ذکر شد بیشتر به دنبال احیاء و ایجاد شور و تحرک و هیجان و

تهییج عواطف^۱ سوگواران است. فرم‌گرایان خود را به این امر ملزم می‌دانند و می‌بینند که از لحاظ فرم و ظاهر کار بسیار چشم‌گیر بنمایانند و این‌گونه هویت اجتماعی - مذهبی خود را جست‌وجو می‌کنند و می‌سازند.

همچنین این تیپ به صدا و سیمای رسمی و دولتی کشور دسترسی ندارد ولی گسترش رسانه‌های دیداری - شنیداری جدید و لوح‌های فشرده (CD) در ابتدای دهه هشتاد، سپس تحولات فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی در دهه نود و در مجموع تحولات صنعت دیجیتال، به رشد و گسترش و رونق فرم‌گرایان کمک فراوانی کرده است.

در نهایت این‌که با توجه با مباحث مطرح شده درباره انواع اقتدار و سلطه، می‌توان گفت که نوع رابطه فرمان‌دهی - فرمان‌بری در این سنخ سوگواری، از جنس سلطه کاریزماتیک (پررنگی نقش عواطف و احساسات، حرمت، شور، امید و ناامیدی و...) می‌باشد.

ج: قومیت‌گرایان: این تیپ رابطه‌ای که با عاشورا و سوگواری‌های محرم برگزار می‌کند، رابطه‌ای است متشرعانه با نگاه ناسیونالیسم قومی (شریعت محور - قومیت‌گرا) و به لحاظ زیست‌جهان و سپهر اندیشگی، در یک زیست‌جهان سنتی (با غلظت کم و بیش قومی) سیر می‌کند و شعائر و مناسک مذهبی خود را بر اساس آن سامان می‌دهد.

قومیت‌گرایان محصول شهرنشینی رو به گسترش، افزایش جریانات مهاجرپرست از نقاط مختلف کشور به دیگر شهرها به ویژه حاشیه یا مرکز شهرهای بزرگ و مشخصاً استان تهران می‌باشد و در برگزاری مناسک عزاداری‌های محرم، حضوری فعال دارد و به اصطلاح "سنگ تمام می‌گذارد". مهاجرین که پیش از این در نقاط مختلف کشور ساکن بودند، اکنون به دیگر شهرها مثلاً "تهران" مهاجرت کرده‌اند مجدداً شبکه‌های روابط اجتماعی، قومی و خانوادگی و خویشاوندی خود را باز می‌یابند و بازتولید می‌کنند که نمونه‌های آن را می‌توان از طریق تابلوها و تبلیغات آن با عناوینی نظیر هیئت خراسانی‌های مقیم مرکز، حسینی‌ه همدانی‌های مقیم تهران و... شناسایی کرد.

اصلاً، ۳۶ ساله، کاسب: «ما توی مشکین‌شهر فرق نمی‌کرد که کدوم هیئت و مسجد بریم. همه یکی بودن. اما وقتی آمدیم تهران، همان محرم سال اول چندتا از کسبه و همشهری‌ها گفتن که مشکینی‌های مقیم تهران خودشون یه حسینی‌ه دارند. اینجا حسن خوبیش اینه که همه همشهری و همزبان هستیم، تعدادی از همشهری‌ها و خویشان را که مدت‌ها ندیده بودیم، دوباره می‌بینم، از حال و روز هم خبر می‌گیریم... بانی و سازنده حسینی‌ه و هیئتمون یکی از همه طایفه‌های خودمونه.

۱. درباره این فوران و غلیان عواطف و احساسات دورکیم معتقد است «فوران عواطف جمعی در گردهمایی، صرفاً مجموع احساسات مشترک افراد نیست... بل از نوعی بس متفاوت است. عواطف جمعی محصول زندگی مشترک و عمل و عکس‌العمل‌هایی است که بین اذهان افراد صورت می‌گیرد.» (دورکیم، ۱۳۹۸: ۴۳ و ۴۲)

چند بار مکه رفته. خیلی واسه اینجا خرج کرده. الانم خودشو بچه‌هاشو چندتا معتمد دیگه حسینه رو می‌چرخونن. البته همشهری‌های دیگه هم کمک می‌کنن... تقریباً به جز زیارت عاشورا که عربیه، بقیه مراسمو با زبان آذری می‌خونن. من فکر می‌کنم این جواری بهتره. چون هم بیشتر به دلمون می‌شیننه و هم زودتر دلمون شکسته می‌شه و اشکمون درمیاد. خلاصه گریه خیلی ثواب داره. هیئت‌های محلی و طایفه‌ای به نظر من همدلی و اتحاد آدما رو بیشتر می‌کنن. ما خودمون مداح که بخوایم از بیرون بیاریم حتماً باید به زبون آذری بخونن. این جواری زودتر میریم توی حال و هوای صحرای کربلا و روز عاشورا...».

این جریان معمولاً مراسم و مناسک سوگواری عاشورا را کم‌تر در مساجد و بیشتر در در حسینه‌ها، تکایا، سجاده‌ها، هیئت‌هایی که غالباً با سرمایه مالی خیرین قومی ساخته شده، برگزار می‌کند که معمولاً نیز زیر نظر هیئت امنایی مرکب از ریش‌سفیدان و معتمدان و پیرغلامانی از همان گروه قومی اداره می‌شود.

از ویژگی‌های کنشگران این جریان این است که مراسم سوگواری (ذکر مصیبت، نوحه‌خوانی، روضه‌خوانی، مرثیه‌سرایی، مقل‌خوانی و...) را عمدتاً و نوعاً طبق آداب و سنن قومی برگزار و با گویش‌های محلی و قومی خود بیان می‌کنند. این نحوه انجام مناسک از یک سو هیجان و شور خاصی را در محفل سوگواران ایجاد می‌کند و از دیگر سو موجب پیوستگی و همبستگی (چسب اجتماعی) میان اعضای گروه می‌شود. علاوه بر این‌ها، اجرای مناسک عاشورا مطابق سنن و فرهنگ قومی، موجب تأکید بر مرز میان درون-گروه^۱ و برون-گروه^۲ شده و خود را از دیگر جریان‌ها متمایز می‌سازد؛ اگر بپذیریم که هویت مانند سکه‌ای دو رو است (تمایز-تجانس)، در مورد این جریان صدق می‌کند. همچنین این‌که این جریان تا حدودی به صدا و سیمای کشور (غالباً در شبکه‌های استانی)^۳ دسترسی دارد.

حاج مختار، ۵۹ ساله، بازاری: «اصل هیئت ما به عشق سقای تشنه لب آقام ابوالفضل درست شده. حسینه ما مال آذری‌های مقیم تهرانه. همه یه جواری همشهری و همزبون هستن. من راستش توی کوچه خودمون هم مسجد و هم هیئت هست ولی واسه روضه محرم و عزاداری میایم همین حسینه خودمون. ختم‌ها و مجالس ترحیم همشهری‌هامون هم بیشتر توی همین حسینه برگزار می‌شه. هیئت خود آدم یه چیز دیگه است. وقتی با زبان و گویش خودت، ذکر مصیبت را می‌خونن، زودتر دل شکسته می‌شی. تا دلت نشکنه و اشکت درنیاد، نمی‌تونی توابی از مجلس عزرا ببری. وقتی توی

۱. In-Group

۲. Out-Group

۳. مشخصاً پخش مستقیم عزاداری زنجانی‌ها در روز تاسوعا از سیمای جمهوری اسلامی، پخش گزینشی دسته‌های عزاداری مدور (چلاب) بوشهری‌ها و...

تابلو هیئت می‌زنیم، همشهری‌های مقیم تهران هرکسی توی خیابون یا گوشه‌های موبایل، مشاهده کنه، سعی می‌کنه از هرجای تهران که شده خودشو برسونه هیئت. حداقل روز عاشورا دیگه همه خودشون می‌رسونن. این‌جا هر ده شب سفره احسان برقراره. تمام هزینه‌هاشو توسط خودمون تأمین می‌شه؛ یعنی بیشترش توسط بزرگای هیئت (چند حاجی باخدای قدیمی) و مابقی هم از طرف خود اعضای هیئت فراهم می‌شه. چون همه همشهری و همزبان هستیم همه میان و هر کدوم یه گوشه کارو به عهده می‌گیرن. یکی نیسان واسه حمل اکو و بلندگوها میاره، یکی قند و چای میاره، یکی آشپزی می‌کنه، پارسال کل برنج ده شبو یک نفر تقبل کرد. خدا خیرش بده. هرچه هم از کمک‌های توی این ده شب اضافه بیاد، می‌ذاریم واسه کم و کسر حسینی و مخارج دیگه...»

همچنین با توجه با مباحث مطرح شده درباره انواع اقتدار و سلطه، می‌توان گفت که نوع رابطه فرمان‌دهی - فرمان‌بری در این سنخ عزاداری، از جنس اقتدار سنتی (احترام به ریش‌سفیدی، شیخوخیت و پیرسالاری و...) می‌باشد.

د: نوگرایان دینی: این تیپ را می‌توان متشرع (شریعت محور - نواندیش) صورت‌بندی کرد و به لحاظ زیست‌جهان و سپهر اندیشگی، در یک زیست‌جهان مدرن سیر می‌کند و شعائر و مناسک مذهبی خود را بر پایه آن سامان می‌دهد و علی‌رغم این که چندین دهه است که در حیات اجتماعی مذهبی جامعه ایران حضور دارد، اما از لحاظ کمیت، به شدت در اقلیت می‌باشد.

اندک کنشگران تشکیل‌دهنده و حامی این جریان، غالباً تیپ‌های تحصیل‌کرده دانشگاهی یا حوزوی هستند که در شکاف سنت / مدرنیته حرکت می‌کنند و از یک سو خود را متشرع و مذهبی می‌دانند و از دیگر سو مُدرک مقتضیات عصر مدرن؛ یعنی هم دغدغه دین دارند و هم دغدغه دنیای مدرن.

برخی افراد نام‌آوری که می‌توان از آن‌ها به عنوان سابقون و معلمان و مفسران پیشگام این جریان نام برد، عبارتند از: محمدتقی شریعتی (قیام ابا عبدا...)، دکتر علی شریعتی (حسین وارث آدم)، مرتضی مطهری (حماسه حسینی)، سید جعفر شهیدی (پس از پنجاه سال) و... این نواندیشان هر کدام روایت خاص خودشان از واقعه عاشورا و سوگواری‌های مرتبط با آن را ارائه کرده‌اند. اگرچه نواندیشان در آثار و اندیشه‌هایشان، اختلافات تئوریک فراوانی دارند و تنوع برداشت‌ها و تکثر باورداشت‌ها در اندیشه آن‌ها دیده می‌شود، اما مخرج مشترک‌های فراوانی با هم دارند. وجه اشتراک این کنشگران این جریان با هم که وجه تمایزشان با دیگر جریان‌هاست (تمایز - تجانس)، عبارت است از: داشتن نگاه پژوهشی و عقلی و تحلیلی، پرهیز از اسطوره‌گرایی، چربش عقلانیت بر عواطف، استفاده از زبان و ادبیات نخبه‌گرایانه، اجتناب از تفاسیر عامه‌پسند و... است.

طبق آموزه‌های "حسین وارث آدم" و با نگاه دیالکتیک و تأکید بر تضاد حق و باطل، امام حسین (ع) علی‌رغم این که نمی‌تواند یزید را شکست دهد و می‌داند که شکست می‌خورد ولی برای

رسوا کردن نظام حاکم که خود را وارث سنت رسول می‌داند و برای این که مشروعیت نظام یزیدی را زیر سوال ببرد و مشروعیت‌ستانی کند، دست به قیام می‌زند؛ لذا شهادت یک انتخاب آگاهانه است که رژیم غاصب و حکومت جور را بی‌آبرو می‌کند. در گفتمان شریعتی، حسین شهید و مبارز جایگزین حسین مظلوم و قربانی می‌شود.

یا طبق آموزه‌های "حماسه حسینی" امام حسین(ع) برای برپا داشتن امر به معروف و نهی از منکر، قیام کرده است و... . مطهری در این کتاب به تحریفات عاشورا پرداخته و نقدهای مهمی را مطرح کرده است.

یا شهیدی در اثر پژوهشی "پس از پنجاه سال" بر این باور است که اختلاف ما با بعضی از مورخان و جامعه‌شناسان قدیم و امروزی این جاست که آن‌ها به قیام امام حسین از دید سیاست می‌نگرند، در حالی که او از این قیام دین را می‌خواست و علی و فرزندش حسین به فکر حکومت نبودند. چون مردم آنان را برای چنین کاری نمی‌خواستند، حساب تقوا و دین چیزی است و حساب حکومت و ریاست چیز دیگر.

در سالیان بعد از انقلاب چهره‌های دیگری نیز به عرصه آمدند. مثلاً مهندس بازرگان که البته از پیشکسوتان روشنفکری دینی است، بر این باور بود (سخنرانی دعای کمیل ۱۰ تیر ۱۳۷۲ همزمان با ایام عاشورا) که نفس عزاداری بر امام حسین(ع) پسندیده است و نه شوق بهشتی در میان است و نه پروای از عذاب دوزخی؛ به باور وی صرف عزاداری و سوگواری بر حسین بن علی(ع) به معنای حرمت نهادن به اوصاف پسندیده و حمیده است.

در دوران اخیر نیز به چهره‌های دیگری بر می‌خوریم که تفسیر نواندیشان‌های از واقعه کربلا و سوگواری‌های عاشورا ارائه کرده‌اند. مثلاً مصطفی ملکیان در «امام حسین(ع) یک قدیس اخلاقی» بر این باور است که به لحاظ اخلاقی امام حسین(ع) قدیس و قهرمان است یعنی به لحاظ اخلاقی وقتی فردی قدیس به شما می‌آید که محبت نتواند مانع راه دشوار وی شود و وقتی قهرمان شمرده می‌شود که مخالفت نتواند مانع راه وی گردد.

در متأخرترین چهره‌های این جریان می‌توان به داوود فیرحی اشاره کرد. وی در «عاشورا و مفهوم اصلاح؛ بازگشت به بنیان‌گذار» به این نتیجه رسیده است که منظور امام حسین از اصلاح، بازگشت به سیره و آرمان‌های بنیانگذار بوده است؛ آرمان‌هایی که به خاطر تکیه نظام خلافت رانتهی اموی به مصحلت، در حال کنار گذاشتن هستند.

امروزه عمده نوگرایان و نواندیشان دینی منصوب به «مدرسه روشنفکری دینی» و نیز برخی فعالان و روشنفکران جریان موسوم به «ملی-مذهبی‌ها» در جایگاه تفسیرگری این جریان قرار دارند.

سعید، ۲۶ ساله، دانشجوی ارشد فلسفه و کلام اسلامی: «من تا دوران دبیرستان مسجد و هیئت محل خودمون می‌رفتم. و مثل بقیه عزاداری می‌کردم. سال آخر دبیرستان یکی از دبیرامون کتاب "حسین وارث آدم" و چندتا سخنرانی دکتر شریعتی بهم داد. چند بار خوندمش و CDها را گوش کردم. دیگه افتادم توی خط دکتر. بعداً کتاب‌های دیگه مثل "حماسه حسینی استاد مطهری"، "جامعه‌شناسی قیام عاشورا آقای باقی" و... خوندم. مجلات منتشر شده توی این حوزه را سعی می‌کنم مطالعه کنم. چند بار کانون توحید و حسینیه ارشاد و مجالس این چنینی رفتم. اگر هم وقت نکنم برم سعی می‌کنم مقالات اونارو مطالعه کنم. دیگه روضه و این جور مراسم رو نمی‌رم. من معمولاً ده روز محرم را سعی می‌کنم فایل‌های صوتی سخنرانی‌های دکتر شریعتی و سایر روشنفکرا رو گوش کنم. اونم چند بار. جدیداً کارهای آقای علوی تبار، استاد ملکیان، آقای ناصر مهدوی و... را هم دنبال می‌کنم. من دنبال گریه و سبک شدن دل نیستم. می‌خوام هر سال نسبت به سال پیش، آگاهی و شناختم از کربلا و امام حسین و وقایع تاریخ صدر اسلام بیشتر بشه و درجا نزنم. صدا و سیما هم در کنار این همه مداحی و روضه و سخنران‌های معمولی، بد نیست کارهای روشنفکران رو هم پخش کنه. هر چند مخاطبش خاصه و کمه...»

نوگرایان دینی در مواجهه با واقعه عاشورا بیش از این که به دنبال فیض، دل‌ها را به کربلا بردن و ایجاد شور و هیجان باشند، به دنبال این هستند که کربلا را به اذهان وارد کنند و در پی کسب آگاهی مذهبی و معرفت دینی هستند و به عنصر معرفت به عنوان پیش نیاز و پیش شرط اساسی محبت اعتقاد دارند و محبت بدون معرفت را کور می‌دانند.

سخنرانی، تفسیر نو، قرائت مجدد و خوانش دوباره از واقعه عاشورا و قیام امام حسین (ع) و نیز عناصر ظریفی از مرثیه‌سرایی، شعرخوانی و... از رئوس برنامه‌های این جریان است و در واقعه عاشورا، هر ساله به دنبال تفکر، تعقل، تأمل در این حادثه است و این واقعه را به سان خوان و سفره‌ای می‌داند که می‌خواهد لقمه‌ای معرفتی در حد توان و بضاعت خود بردارد.

علیرضا، ۳۶ ساله، مدرس تاریخ در دانشگاه: «من بنا به رشته دانشگاهیم و علاقه مطالعاتی خودم با مباحث نواندیشان دینی آشنا شدم. تا قبل از دانشگاه، مطلقاً مطالعه غیردرسی نداشتم. مطالعات روشنفکری من با خواندن آثار شریعتی شروع شد و هم هنوزم شاگرد شریعتی هستم. حسینیه ارشاد و کانون توحید و مجالس سخنرانی مناسبی روشنفکران و پژوهشگران نواندیشی دینی را دنبال می‌کنم. بیشتر مقالات و فایل‌های سخنرانی این افراد را هم دنبال می‌کنم. حتی کارهای مطالعاتی پژوهشگران گمنام را هم دنبال می‌کنم. ضمن این که دو کتاب "تاریخ تحلیلی صدر اسلام" و "پس از پنجاه سال" دکتر شهیدی هم واقعاً ارزشمندند. به نظرم این که امام حسین واسه شفاعت شیعیان، قیام کرده و شهید شده چندان مستند و منطقی نباشه. این افکار از مسیحیت وارد آموزه‌های تشیع شده. هرکسی مسئول اعمال خودشه. ... محبت بدون شناخت و معرفت، ارزش چندانی نداره. همه ما

عاشق ائمه اطهار هستیم ولی عشقی که پیش‌نیازش شناخت و مطالعه باشد... خودم چند سالی است که با تعدادی از فرهنگیان و دانشجویان ارشد و یکی دو نفر از همکاران دانشگاهی یک جلسات نسبتاً منظمی در منزل خودم و دیگر دوستان برگزار می‌کنیم با موضوع تفسیر قرآن و نهج‌البلاغه، نقد "کتاب شهید جاوید آقای صالح‌آبادی"، نقد فرم‌های جدید عزاداری‌های، سخنرانی، شعرهای آیینی و... نوبی برنامه‌موم بوده. یعنی به جور حسینه ارشاد در اشل بسیار کوچکتر... خیلی از هیئات مذهبی به خاطر مداح و خطیب معروفی که دعوت می‌کنن و هرچه مشهورتر، استقبال و تراکم جمعیت هم بیشتر می‌شه. البته حُسن (حسینیه) ارشاد و توحید در اینه که واعظ‌محور و مداح‌محور نیست.»

نوگرایان دینی بر خلاف سنت‌گرایا، تفسیر خود از عاشورا را از ترکیب دووجهی واعظ/مداح اخذ نمی‌کنند زیرا آن را سنتی و تهییج‌کننده می‌دانند و نیز مانند جریان دوم (فرم‌گرایان) از عصر مداح اخذ نمی‌کنند زیرا آن را روایتی اسطوره‌ای، شورانگیزانه و چیره شدن هیجانات و احساسات می‌دانند. اماکن و پایگاه‌های سوگواری این جریان را می‌توان پایگاه‌های مدرن نواندیشی دینی از قبیل حسینیه ارشاد، کانون توحید، دانشگاه‌ها، منازل برخی افراد سرشناس این جریان و... دانست و مراسم سوگواری را با کمترین سازوبرگ انجام می‌دهد. مفسران امروزی این جریان مطلقاً دسترسی به صدا و سیمای رسمی و دولتی کشور ندارند.

همچنین با توجه با مباحث مطرح شده درباره انواع اقتدار و سلطه، می‌توان گفت که نوع رابطه فرمان‌دهی - فرمان‌بری در این سنخ سوگواری، از جنس اقتدار عقلانی - قانونی باشد.

جدول شماره (۱): بررسی مقایسه‌ای تیپ‌های چهارگانه سوگواری‌های عاشورا

تیپ یا گونه عزاداری و ویژگی‌ها	۱. سنت‌گرایان	۲. شکل‌گرایان (عوام‌گرایان)	۳. قومیت‌گرایان	۴. نوگرایان دینی
گفتمان غالب	(شریعت محور - سنت‌گرا)	(شریعت محور - شکل‌گرا)	(شریعت محور - قوم‌محور)	(شریعت محور - نواندیش)
میزان استفاده از ساز و برگ در عزاداری‌ها	کم	خیلی زیاد	کم	---
هدف غالب	ثواب	شور و هیجان	ثواب	افزایش معرفت
میزان دسترسی به صدا و سیمای رسمی کشور	خیلی زیاد	---	کم	---
پایگاه اصلی	مسجد	هیئت (سیار،)	حسینیه	کانون‌ها و محافل

تیپ یا گونه عزاداری ویژگی‌ها	۱. سنت‌گرایان	۲. شکل‌گرایان (عوام‌گرایان)	۳. قومیت‌گرایان	۴. نوگرایان دینی
		ثابت		روشنفکری
چهره اصلی مناسک	واعظ و خطیب/مداح	مداح	واعظ/مداح	سخنران و پژوهشگر
تأمین منابع مالی	خیرین و بزرگان مسجد	بانی مجلس و خرده‌کمک‌های خود افراد	خیرین قومی	حق عضویت، کمک‌های داوطلبانه
زیست جهان، سپهر اندیشگی	سنتی	التقاطی (سنتی/مدرن/ پست‌مدرن)	سنتی	مدرن
نوع اقتدار یا سلطه حاکم بر فضای سوگواری	اقتدار سنتی	اقتدار کارزماتیک	اقتدار سنتی	اقتدار عقلایی و منطقی
ادبیات غالب	شفاهی	شفاهی	شفاهی	مکتوب
مخاطب اصلی	تقریباً از همه اقشار مذهبی (خاصه میان‌سالان و بزرگسالان)	عمدتاً جوانان	عمدتاً گروه‌ها و خرده‌فرهنگ‌های قومی	بخش اندکی از تحصیل‌کردگان دانشگاهی و حوزوی

آینده و احتمالات

در این قسمت به این موضوع پرداخته می‌شود که وضعیت آینده این چهار تیپ چگونه است؟ به عبارت بهتر رویش‌ها و ریزش‌ها در این جریان‌ها چه شکلی خواهد یافت؟ در پاسخ به این پرسش‌ها به صورت احتمالات و حدسیات می‌توان چند فرض را مطرح کرد:

۱. سنت‌گرایان

رویش‌ها: این تیپ با بازتولید فرهنگ و مناسک عزاداری خود و به خاطر برخی توانمندی‌ها و امکانات در دسترس و انتقال میراث فرهنگی خود به نسل بعد، موجب بقا و تداوم و استمرار خود شود و نیز ممکن است برخی افراد میان سال شکل‌گرایان (فرم‌گرایان) با بالا رفتن سن و تجربه و فروکش کردن هیجانات روحی دوره جوانی، به این جریان بپیوندند؛ هم چنین ممکن است برخی از قومیت‌گرایان به لحاظ پراکندگی جغرافیایی و عدم انسجام و پیوند با جریان متبوع خود، به سنت‌گرایان بپیوندند.

ریزش‌ها: ممکن است برخی افراد جوانتر در این جریان روش‌های جاری را نپسندند و از این جریان ریزش کنند. گروهی از ریزش‌کنندگان که حامی‌شور و هیجان و احساسات هستند به جریان شکل‌گرایان می‌پیوندند و گروه اندکی نیز ممکن است به خاطر مطالعات جدید و زیست در فضای مدرن و همنشینی با افراد نواندیش دینی، ریزش کنند و به جریان نوگرایان دینی بپیوندند.

۲. شکل‌گرایان

رویش‌ها: همان‌طور که گفته شد چنین به نظر می‌رسد که نسل جوان امروز غالباً به این جریان تعلق خاطر دارد و لذا به‌لحاظ ویژگی‌های سنی و روحی و روانی خاص این گروه سنی، ممکن است برخی افراد جوانتر جریان‌های سنت‌گرا و قومیت‌گرا روش‌های جاری را نپسندند و به جریان شکل‌گرا بپیوندند.

ریزش‌ها: ممکن است برخی افراد میان سال این جریان با بالا رفتن سن و تجربه و فروکش کردن هیجانات روحی دوره جوانی، از این جریان ریزش کنند و به سنت‌گرایان بپیوندند و نیز گروه اندکی از آنان ممکن است به خاطر برخی مطالعات جدید و تنفس در فضای مدرن و هم‌نشینی با محافل روشنفکری، به نوگرایان دینی بپیوندند.

۳. قومیت‌گرایان

رویش‌ها: این تیپ از طریق انتقال مفاهیم و موارث فرهنگی و قومی خود به نسل بعد، می‌تواند موجب رویش و تقویت بیشتر خود شود؛ اما احتمال این‌که بتواند از سایر تیپ‌ها عضوگیری کند کم است. ریزش‌ها: ممکن است برخی افراد جوانتر این جریان، روش‌های جاری را نپسندند و به شکل‌گرایان بپیوندند؛ یا ممکن است برخی از افراد این جریان به لحاظ پراکندگی جغرافیایی و عدم انسجام و پیوند با جریان متبوع خود، و یا همنشینی با مجالس سنت‌گرایان، به آن‌ها بپیوندند و یا این‌که ممکن است به خاطر مطالعات جدید و زیستن در فضای مدرن و همنشینی با گروه‌های روشنفکری، ریزش کنند و به نوگرایان دینی بپیوندند.

۴. نوگرایان دینی

رویش‌ها: این تیپ به خاطر ویژگی‌های خاص خود (استفاده از زبان نخبه‌گرایانه، تکیه بر اقشار تحصیل کرده، قرائت نوین از سنت، مواجهه عقلانی و معرفت‌اندیشانه با سنت، و...) و این‌که رسانه‌های چندانی ندارد، کمتر از دیگر جریان‌ها موفق به افزایش اعضای خود شده است. با این حال، گسترش سطح سواد و افزایش افراد تحصیل کرده دانشگاهی و حوزوی، گسترش فضای مجازی و... برخی

فرصت‌های رویش (ولو اندک) را برای این جریان فراهم ساخته است؛ یعنی گروه‌های اندکی از دیگر جریانات ممکن است به خاطر مطالعات جدید و زیست در فضای مدرن و همنشینی با محافل روشنفکری و حشر و نشر با محافل آنان، از جریان متبوع خود ریزش کرده و به این نوگرایان بپیوندند.

ریزش‌ها: بنا به مختصات خاص این جریان و ویژگی‌های دیگر جریانات، احتمال این که افرادی از آن ریزش کنند و به سه جریان دیگر بپیوندند کم است ولی می‌توان حدس زد که ریزش‌های این جریان به سکولارها بپیوندند.

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی نهایی

در این نوشتار توصیفی-تحلیلی با نگاه جامعه‌شناسی دین، تلاش کردیم که سبک‌ها و گونه‌های سوگواری و عزاداری‌های عاشورا را در ایران امروز شناسایی کنیم. در نگاه اولیه و دیدی کل‌نگر تفاوت چندانی بین سبک‌ها و جریانات سوگواری دیده نمی‌شود اما مطالعات میدانی پژوهشگر (مشاهده مشارکتی، تکنیک مصاحبه عمقی) و حضور فراوان در میدان تحقیق و نیز سنجش‌های غیرمزامی (همچون بررسی مطالب سایت هیئات مذهبی، تحلیل محتوای مقالات چاپ‌شده، سخنرانی‌های ضبط‌شده، تبلیغات محیطی هیئات و دیگر فراوردهای اجتماعی) نشان می‌دهد که در ایران امروز نمی‌توان شاهد یک‌دستی و همگونی در برگزاری مناسک عاشورا بود. در این‌جا ما با گذاشتن "عینک جامعه‌شناسی" بر چشم و با عنایت به مفهوم وبری "سنخ آرمانی" توانستیم حداقل چهار نوع کنش از سوی کنشگران (سوگواران) و سبک عزاداری را در ایران امروز شناسایی و صورت-بندی کنیم و آن‌ها را ۱. سنت گرایان، ۲. شکل گرایان، ۳. قومیت گرایان و ۴. نوگرایان دینی نامگذاری کردیم. بین این چهار تیپ تمایزات عمده‌ای دیده می‌شود برای نمونه:

سنت گرایان از حیث گفتمان غالب دارای گفتمان شریعت‌محور/ سنت‌گرا هستند، ادبیات غالب در آن‌ها ادبیات شفاهی است، میزان استفاده آن‌ها از ساز و برگ در عزاداری‌ها و سوگواری‌ها کم است، هدف غالب در آن‌ها کسب ثواب است، دسترسی کامل و فراوانی به صدا و سیمای رسمی کشور دارند، چهره اصلی مجالس آنان دوگانه "واعظ و خطیب/مداح" است، مخاطبان عمده آنان تقریباً از همه اقشار مذهبی خاصه میانسالان و بزرگسالان هستند، در یک زیست‌جهان و سپهر اندیشگی سنتی سیر می‌کنند، نوع اقتدار و سلطه حاکم بر اداره و مکان سوگواری این جریان از نوع اقتدار سنتی است، مساجد پایگاه اصلی در برپایی مناسک‌شان است و خیرین و ائمه و بزرگان مسجد، تأمین‌کننده عمده منابع مالی این جریان هستند.

شکل‌گرایان از حیث گفتمان غالب دارای گفتمان شریعت‌محور/ فرم‌گرا هستند، ادبیات غالب در آن‌ها ادبیات شفاهی است، میزان استفاده آن‌ها از ساز و برگ در عزاداری‌ها و سوگواری‌ها بسیار زیاد است، هدف غالب در آن‌ها شور و هیجان است، دسترسی به صدا و سیمای رسمی کشور ندارند ولی در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی بسیار فعال هستند، چهره اصلی مجالس آنان مداحان هستند، مخاطبان عمده آنان تقریباً همگی جوانان هستند، در یک زیست‌جهان و سپهر اندیشگی التقاطی (سنتی/ مدرن/ پست‌مدرن) سیر می‌کنند، نوع اقتدار و سلطه حاکم بر اداره و مکان سوگواری این جریان از نوع اقتدار کاریزماتیک است، هیئت (ثابت/ سیار) پایگاه اصلی در برپایی مناسک این جریان است و بنیان مجلس و خرده‌کمک‌های خود کنشگران، تأمین‌کننده عمده منابع مالی این جریان هستند.

قومیت‌گرایان از حیث گفتمان غالب دارای گفتمان شریعت‌محور/ قومیت‌گرا هستند، ادبیات غالب در آن‌ها ادبیات شفاهی است، میزان استفاده آن‌ها از ساز و برگ در عزاداری‌ها و سوگواری‌ها کم است، هدف غالب در آن‌ها کسب ثواب است، دسترسی کمی به صدا و سیمای رسمی کشور دارند (عمدتاً در شبکه‌های استانی)، چهره اصلی مجالس آنان وعاظ و مداحان هستند، مخاطبان عمده آنان اقشار و گروه‌ها و خرده‌فرهنگ‌های قومی هستند، در یک زیست‌جهان و سپهر اندیشگی سنتی سیر می‌کنند، نوع اقتدار و سلطه حاکم بر اداره و مکان سوگواری این جریان از نوع اقتدار سنتی است، حسینیه پایگاه اصلی در برپایی مناسک این تیپ است و خیرین قومی، تأمین‌کننده عمده منابع مالی این جریان هستند.

نوگرایان دینی از حیث گفتمان غالب دارای گفتمان شریعت‌محور/ نوگرا هستند، ادبیات غالب در آن‌ها ادبیات مکتوب است، از ساز و برگ در عزاداری‌ها و سوگواری‌ها استفاده نمی‌کنند، هدف غالب در آن‌ها افزایش معرفت است، مطلقاً به صدا و سیمای رسمی کشور دسترسی ندارند، چهره اصلی مجالس آنان سخنرانان هستند، مخاطبان عمده آنان بخش اندکی از تحصیل‌کردگان حوزوی و دانشگاهی هستند، در یک زیست‌جهان و سپهر اندیشگی سنتی مدرن سیر می‌کنند، نوع اقتدار و سلطه حاکم بر اداره و مکان سوگواری این جریان از نوع اقتدار عقلایی - منطقی است، کانون‌ها و محافل روشنفکری پایگاه اصلی در برپایی مناسکشان است و حق عضویت و کمک‌های داوطلبانه، تأمین‌کننده عمده منابع مالی این جریان هستند.

منابع

آرون، ریمون (۱۳۹۶)، *مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی*، ترجمه باقر پرهام، چاپ دوازدهم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

- اباذری، یوسف و جعفری کافی‌آباد، صابر (۱۳۹۷)، «ماکس وبر و مناقشه روشی»، *فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی*، سال بیست و پنجم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۹۷، صص ۵۳۷-۵۰۵.
- بهار، مه‌ری و احمدی، ابوالفضل (۱۳۹۳)، «بررسی جامعه‌شناختی تغییرات کارکردهای هیئت‌های مذهبی»، *فصلنامه مهندسی فرهنگی*، شماره ۸۰، تابستان ۹۳، صص ۲۷-۵۵.
- حبیب‌پور، کرم (۱۳۹۷)، «بازخوانی تیپ ایده‌آل ماکس وبر در روش تحقیق کیفی»، مقاله ارایه شده به دومین همایش خوانش انتقادی جامعه‌شناسان کلاسیک و مسائل جامعه ایران: ماکس وبر، تهران: دانشگاه خوارزمی.
- دورکیم، امیل (۱۳۹۸)، *قواعد روش جامعه‌شناسی*، ترجمه هوشنگ نایبی، تهران: انتشارات آگاه.
- رحمانی، جبار (۱۳۹۵)، *تغییرات مناسک عزاداری محرم*، چاپ دوم، تهران: انتشارات تیسرا.
- رحمانی، جبار (۱۳۹۳)، «روشنفکران فهمشان از عزاداری را آسیب‌شناسی کنند»، گفتگو با ماهنامه *ایران فردا*، دوره جدید، سال اول، شماره ۶، آبان ۹۳، صص ۷۷-۷۵.
- شجاعی زند، علی رضا (۱۳۹۱)، جامعه‌شناسی دین (۱)، چاپ دوم، تهران: نشر نی.
- فتح‌آبادی، ابوالفضل (۱۳۹۵)، «انتقاداتی بر انواع مثالی جامعه‌شناسی دین ماکس وبر»، *فصلنامه مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره هفدهم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۵، صص ۱۵۲-۱۳۵.
- فروند، ژولین (۱۳۸۳)، جامعه‌شناسی ماکس وبر، تهران: نشر توتیا.
- فلیک، اووه (۱۳۹۶)، *درآمدی بر تحقیق کیفی*، ترجمه هادی جلیلی، چاپ دهم، تهران: نشر نی.
- کرایب، یان (۱۳۹۸)، *نظریه اجتماعی کلاسیک: مقدمه‌ای بر مارکس، وبر، دورکیم و زیمل*، ترجمه شهناز مسمی‌پرست، چ سیزدهم، تهران: نشر آگه.
- کرمی‌پور، الله کرم، حاجی ابوالحسنی، عبدالحسین (۱۳۹۵)، «بازنمایی عنصر شور و احساس در آیین‌های محرم»، *دو فصلنامه اسلام و علوم اجتماعی*، سال هشتم، شماره ۱۶، پاییز و زمستان ۹۵، صص ۱۳۳-۱۱۱.
- گیویان، عبدا... (۱۳۹۰)، «آیین، آیینی‌سازی و فرهنگ عامه‌پسند دینی»، *فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، شماره، صص ۲۱۱-۱۷۹.
- مظاهری، محسن حسام (۱۳۹۰)، *جامعه‌شناسی آیین‌های سوگواری و هیئت‌های مذهبی در ایران*، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، دفتر چاپ و انتشارات بین‌الملل.
- مرادی، هاشم (۱۳۹۲)، «مطالعه تغییرات مناسک عزاداری محرم در شهرستان طبرس در سه دهه گذشته ۱۳۹۰-۱۳۶۰»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته جامعه‌شناسی، به راهنمایی سید حسین سراج‌زاده، تهران: دانشگاه خوارزمی.
- مرتون، رابرت (۱۳۸۵)، *مشکلات اجتماعی و نظریه اجتماعی*، ترجمه نوین تولایی، تهران: انتشارات امیرکبیر.

- منتظر القائم، اصغر و کشاورز، زهرا سادات (۱۳۹۶)، «بررسی تغییرات اجتماعی مراسم و مناسک عزاداری عاشورا در ایران»، *فصلنامه شیعه‌شناسی*، سال پانزدهم، شماره ۵۸، تابستان ۹۶، صص ۷۲-۳۷.
- میرزایی، جمشید (۱۳۹۴)، «جامعه‌شناسی تنوع فرهنگی در عزاداری‌های عاشورا در ایران امروز»، *فصلنامه فرهنگ مردم/ایران*، شماره ۴۳ و ۴۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۴، صص ۸۱-۶۷.
- وبر، ماکس (۱۳۹۷)، *روش‌شناسی علوم اجتماعی*، ترجمه حسن چاوشیان، چ پنجم، تهران: نشر مرکز.
- وبر، ماکس (۱۳۹۶)، *اقتصاد و جامعه*، ترجمه عباس منوچهری، مهرداد ترابی‌نژاد و مصطفی عماد زاده، تهران: انتشارات سمت.
- همیلتون، ملکم (۱۳۹۷)، *جامعه‌شناسی دین*، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ هفتم، تهران: نشر ثالث.
- Bryman, AL. (۱۹۹۲), *Charisma and leadership in organization*. London, sage publication.
- Jupp, Victor (۲۰۰۶), *The Sage dictionary of social research method*. London Sage pub.
- Foucault, Michel: (۱۹۸۲), *The Subject and Power*, Critical Inquiry, Vol. ۸, No. ۴ (Summer), pp. ۷۷۷-۷۹۵, Published by: The University of Chicago Press, URL: <http://www.jstor.org/stable/1343197>.
- Weber, Max (۱۹۴۹), *The methodology of social sciences*. translated and edited by Edward Shils and Henry Finch, Glencoe Illinois, the free press.
- Weber, Max (۱۹۷۸), *Economy and Society: An Outline of Interpretive Sociology*. University of California Press: Berkeley.